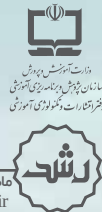


آموزشی ابتدایی



دانشگاه آموزش عالی
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشر رست و نشر آموزشی

ISSN :1606-9102

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست و یکم - آبان‌ماه ۱۳۹۶ - شماره‌ی پی‌درپی ۱۶۷ - ۴۸ صفحه - ۱۱۰۰۰ ریال
www.roshdmag.ir



رویکردهای جدید آموزش ابتدایی

توهم دانستن و کتاب‌سوزی مدرن
آشنایی با یک جلسه کلاسی درس تربیت بدنی

۶

خشت‌اول در
برنامه‌ک درسی پنهان

۳۲

تفاوت‌های
اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی

تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۱۳۹۶/۹/۳۰

اهداف در واقع ترسیم‌کننده‌ی مسیر حرکت مجموعه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و نیز معیارهای متقن برای قضاوت واقع‌بینانه درباره‌ی موفقیت یا عدم موفقیت هر فرایند آموزشی است. در عین حال، با توجه به تغییرات گسترده‌ی علوم، فنون و تکنولوژی و بروز نیازهای متنوع در عرصه‌های زندگی اجتماعی، متناسب‌سازی این عنصر کلیدی با مقتضیات یاد شده ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

شما در مصاحبه با خانم دکتر رضائی که در صفحه‌ی ۲۲ چاپ شده با بخشی از مأموریت‌ها و اهداف آموزشی و تربیتی دوره‌ی ابتدایی آشنا شدید. به نظر شما:

۱. مأموریت‌ها و اهداف یاد شده تا چه میزان با نیازهای حال و آینده‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی کشور ایران تناسب دارد؟
۲. از نظر شما کدام یک از اهداف مذکور می‌تواند در صدر اهداف این دوره قرار گیرد؟
۳. چه اهداف دیگری را می‌توان برای آموزش ابتدایی کشور ایران در نظر گرفت که در مصاحبه‌ی فوق مطرح نشده است؟

آموزشی ابتدایی

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه
www.roshdmag.ir فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی بیست‌ویکم - آبان‌ماه ۱۳۹۶ - شماره‌ی پیدرپی ۱۶۷ - ۴۸ صفحه - ۱۱۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

سر مقاله — توهم دانستن و کتاب‌سوزی مدرن / ۲

تقویم ماه — ۴

کت جادویی معلم — خشت‌اول در برنامه‌ی درسی پنهان / نوشته چنی مک‌کی / ترجمه: حبیب یوسف‌زاده / ۶

راهکار — ۷ راه برای دادن بازخورد بهتر به دانش‌آموزان / مترجمان: وحید مرادخواه، صدیقه قاسمی / ۹

برنامه‌ی درسی — ریاضی / ریاضیات دوره‌ی ابتدایی: الگوهای رشد‌کننده؛ یک الگو و چند نگاه / سپیده چمن‌آرا / ۱۰

تربیت‌بدنی / آشنایی با یک جلسه کلاس درس تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی / زهرا روحانی / ۱۸

سلامت — نسل راست قامت / مرتضی ایزدی / ۱۴

تجربه‌ی مادرانه — حواش بود یا نبود؟ / کبری محمودی / ۲۰

گفت‌وگو — رویکردها و مأموریت‌های جدید آموزش ابتدایی / نصرالله دادار / ۲۲

مکوبگوی معلم‌ها — نقدی به وضعیت کنونی مدارس غیردولتی / احیدر یازیدی / ۲۷

نوشتر — جایگاه والای معلم در نظام آموزشی فنلاند / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۲۸

تفاوت‌های اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی / دکتر ابوالفضل بختیاری / ۳۲

گفت‌وگو — تفاهم‌نامه‌ی نانوشته با والدین / مانده ابراهیمی / ۳۴

تجربه‌ی آموزشی — به شهر بازی کسرها خوش آمدید / پری فردوسی / ۳۷

خاطره — تجربه — بتول صافی نجف‌آبادی / فریبا اسدی / مهدی روشندل / ۳۸

داستان — لولوی پشت پرده / ساناز شجاعی / ۴۰

مدرسه‌ی زیبای من / ۴۴

همراهان / ۴۶



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی-تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.



توهم دانستن و کتاب سوزی مدرن

● تاریخ ایران بارها و بارها شاهد کتاب سوزی های وحشتناک بوده است. اولین آتش بازی با کتاب در حمله ی اسکندر به ایران اتفاق افتاد که تمام الواح، سنگ نوشته ها و چرم نوشته های آن دوران تخریب و سوزانده شدند. از این دست کتاب سوزی ها در تاریخ ایران و حتی دنیا فراوان است. همه ی ما به هنگام گفت و گو درباره ی تاریخ ایران، هم به این کتاب سوزی ها اشاره می کنیم و هم تأسف می خوریم. اما غافلیم که امروزه هم کتاب سوزی به صورت مدرن و هر روزه اتفاق می افتد. این کتاب سوزی دودی ندارد. شعله ای هم برای گرم شدن و حرارتی برای شادی برپاکنندگان آتش آن ندارد. قبل از توسعه ی فضاهای مجازی، با تکثیر تصاعدی ناشران، کتاب سازی را جایگزین تألیف کردیم و اندیشیدیم، اگر تعداد ناشران بالا برود، تعداد کتاب ها هم زیاد می شود. اما فکر نکردیم که کتاب خواننده می خواهد! خواننده ی کتاب را از دست دادیم.

● چرا کتاب نمی خوانیم؟

به این دلیل که فکر می کنیم می دانیم! ملتی که همه چیز بداند و در هر رشته ای صاحب نظر باشد، نیازی به کتاب خواندن ندارد. مشکل ما توهم دانستگی است. نمی دانم چگونه اتفاق افتاد که ما به اینجا رسیدیم! معلوم نیست چطور شد که از دانستن بی نیاز شدیم، یا چطور شد که در مورد همه چیز صاحب نظر شدیم، اما می دانم که راه حل ما برای مبارزه با این کتاب سوزی نامرئی، رهایی از توهم دانستگی است. هر روز که از خواب بیدار می شویم، باید با فکر به نمی دانم هایمان، ساعتی برای دانستن های جدید تعیین کنیم و هر روز که به مدرسه می رویم، موظفیم دانش آموزان را دچار این توهم نکنیم

معلم
خوب اولین کسی
است که به تو کمک
می کند تبدیل به
کسی شوی که احساس
می کنی خودت
هستی.

معلم خوب
همچون باغبان مصبور
ظرفیت هر جوانه را
می ببیند و از رشد،
گسترش و شکوفایی
آن لذت می برد.

اندیشه ی معلمی

الهام فراستی

معلم
خوب بودن به این
معنی است که عاشق
چیزی باشی که
درس می دهی و عاشق
کسی باشی که به او
می آموزی.





تصویرگر: ظهیرالدین آقاخانی

و برعکس واقعیت ندانستن را به آن‌ها گوشزد کنیم. کتابخانه‌ی مدرسه باید از شلوغ‌ترین مکان‌های مدرسه باشد. بچه‌ها را تشویق کنیم به خواندن و خودمان همیشه کتابی برای خواندن در دست داشته باشیم.

از روزی بیست دقیقه آغاز کنیم. خواندن ده صفحه کتاب در روز وقت زیادی از ما نخواهد برد. اما در پایان هر سال ۳۶۵۰ صفحه کتاب خوانده‌ایم. یعنی معادل ده کتاب ۳۶۵ صفحه‌ای و معادل ۳۶ کتاب صد صفحه‌ای.

فقط با روزی ده صفحه کتاب که تقریباً بیست تا سی دقیقه از وقت ما را خواهد گرفت، به جنگ کتاب‌سوزی نامرئی و بزرگی که کشور ما را فراگرفته است، خواهیم رفت. از همین حالا شروع کنیم. ■

تجربه،
معلم سختی
است، چرا که اول
امتحان می‌گیرد
و بعد درس
می‌دهد.



معلم
خوب اولین کسی
است که چیزی را
می‌گوید که تو تا
۱۰ سال دیگر
نخواهی فهمید.

معلم
خوب مثل یک
میزبان خوب است. اول
توجه مخاطب را به خود
جلب می‌کند و سپس
درس می‌دهد.





در صفحه‌ی تقویم ماه تلاش می‌کنیم بعضی از مناسبت‌ها را زیر ذره‌بین ببریم تا ببینیم چه موقعیت یادگیری یا آموزشی می‌توانیم از آن استخراج کنیم. گرمای داشت مناسبت‌ها می‌تواند هویت شخصی، ملی و دینی دانش‌آموزان را شکل بدهد و آن‌ها را در جریان چگونگی بعضی شغل‌ها و مناسبت‌ها قرار بدهد. آموزگاران عزیز می‌توانند با رجوع به نشریات رشد دانش‌آموزی و جلب توجه دانش‌آموزان به صفحه‌ی تقویم، موقعیت یادگیری بیشتری برای آن‌ها فراهم کنند. از خوانندگان گرمای درخواست داریم برای پر بار شدن این صفحه، تجربه‌ها و پیشنهادهای خود را در قالب ارائه شده در این صفحه برای ما ارسال کنند تا به نام خودشان چاپ شود. ■



اعتراض امام خمینی (ره) به قانون کاپیتولاسیون

۴ آبان

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ توضیح مفهوم کاپیتولاسیون، به زبان ساده اتباع خارجی در ایران، در صورت هرگونه تخلف، باید در کشور خود و با قوانین همان‌جا محاکمه شوند.
- ۲ توجه کردن به وقایع تاریخی عصر حاضر و بیان دلایل وقوع انقلاب اسلامی
- ۳ آگاهی از علت اعتراض امام(ره) نسبت به کاپیتولاسیون

۱۳ آبان

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ دانستن معنی مستکبر در مقابل مستضعف
- ۲ مفهوم آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی
- ۳ آشنایی با مفهوم استکبار که از کلمه‌ی کبر به معنای کبر ورزیدن می‌آید.

۸ آبان

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ بازگویی قصه‌ی زندگی شهید
- فهمیده با توجه به مفهوم ایثارگری به عنوان بخشی از تاریخ معاصر
- ۲ درک مفهوم ایثار، فداکاری و از خود گذشتگی به خاطر میهن
- ۳ ترویج روحیه‌ی مبارزه تا پای جان برای حفظ میهن اسلامی
- ۴ زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی شهیدان
- ۵ معرفی بسیج به معنای گرد هم آمدن برای انجام کارهای مهم است که در اینجا سازندگی و آمادگی در برابر تهدیدات دشمنان معنا شود.
- ۶ پرهیز از افسانه بافی در مورد شهدای دفاع مقدس
- ۷ دفاع از میهن سن و سال نمی‌شناسد.



روز پدافند غیرعامل

۸ آبان

کارکردهای آموزشی و تربیتی

- ۱ توضیح مفهوم پدافند غیر عامل که کاهش آسیب‌پذیری در هنگام بحران است.
- ۲ آمادگی و تمرین برای مقابله با بحران
- ۳ آگاهی برای افزایش توانمندی در فضای سایبری

کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی

- ۱ بازگویی داستانی از واقعه‌ی کربلا
- ۲ الگوگرفتن از راه‌وروش زندگی آنان
- ۳ ترویج روحیه‌ی مبارزه برای گرفتن حق
- ۴ زنده نگه‌داشتن قیام عاشورا
- ۵ ایجاد عشق به امام حسین(ع)
- ۶ شرح شجاعت بی‌نظیر امام حسین(ع) در گرفتن حق



صفحه ۳۰۲ مجله‌ی رشد کودک
شماره ۲-۱۳۹۶

تسخیر لانه‌ی جاسوسی / روز ملی استکبارستیزی / روز دانش آموز

- ۱۴ توضیح مفهوم تبعید و دلیل تبعید امام‌خمينی(ره). تبعید یعنی بیرون راندن کسی از شهر یا آبادی خود برای زمانی معین
- ۵ گرامیداشت و یاد و خاطره‌ی شهیدان دانش‌آموز
- ۶ توجه به مستضعفان جامعه و فراهم کردن فرصت رشد برای آنان



- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
- ۱ درک ارزش والای پیامبر اسلام(ص)
 - ۲ آشنایی با سال‌های آخر عمر پیامبر(ص)
 - ۳ شرح شیوه‌ی زندگی پیامبر(ص) در قالب داستان
 - ۴ آشنایی با زندگی امام رضا(ع)
 - ۵ دانستن چگونگی به شهادت رسیدن امام هشتم شیعیان جهان

- کارکردهای آموزشی و تعلیم و تربیتی
- ۱ گرامیداشت روز کتاب و کتاب‌خوانی
 - ۲ فراهم آوردن روزی شاد و پرارزش برای کتاب‌خوانی
 - ۳ شناختن کتاب به‌عنوان دوستی مهربان
 - ۴ یادآوری فایده‌های خواندن کتاب
 - ۵ معرفی کتاب‌های خوب
 - ۶ شناخت نقش کتاب در ارتقای سطح فرهنگی
 - ۷ آموزش و بالا بردن فرهنگ خواندن کتاب
 - ۸ آموزش فرهنگ امانت‌داری و نگهداری کتاب



خشت اول در برنامه‌ک درسی پنهان

از یادداشت‌های یک معلم تازه‌کار مدیریت رفتار انضباط در مدرسه

در اغلب شیوه‌های فعلی مدیریت رفتار، دانش‌آموز را یک «مسئله» در نظر می‌گیرند. از این رو، وقتی معلمان از عهده‌ی مدیریت رفتار دانش‌آموزان بر نمی‌آیند، به مقررات و شیوه‌های خشک انضباطی مدرسه متوسل می‌شوند. این نوع برخورد تحکمی، به‌رغم کارایی انکارناپذیر آن در مدیریت برخی سوء رفتارهای جدی، در سال‌های اخیر با چالشی جدی مواجه شده است. معلم‌ها دریافته‌اند که دانش‌آموزان به‌طور فزاینده‌ای در برابر روش‌های تحکمی مقاومت نشان می‌دهند.

روز به روز این نیاز بیشتر احساس می‌شود که دست از «مسئله» پنداشتن دانش‌آموزان و مهار کردنشان برداریم و وقت و انرژی خود را صرف پرورش معلمانی کنیم که از همان ابتدای کار مهارت کافی در مدیریت رفتار دانش‌آموزان داشته باشند و به اصطلاح سوء رفتارها را با ظرافت در نطفه خفه کنند و با جلوگیری از شیوع آن، جریان طبیعی یادگیری را در کلاس حفظ کنند. امروزه دانش‌آموزان بیش از هر زمان دیگری برای کنار آمدن با پیچیدگی‌های زندگی مدرن به کمک نیاز دارند. چراکه آنان دنیا را بدون فیلترهای بلوغ و تجربه‌های بزرگسالانه می‌بینند. از این رو، بسیاری از بچه‌ها در

به یاد دارم، اولین روزی که قرار بود به‌عنوان معلم سر کلاس حاضر شوم، با اینکه بسیار هیجان‌زده بودم و لحظه‌شماری می‌کردم، تا حدی هم نگران بودم. وقتی دفتر معلمان را ترک می‌کردم، تعدادی از همکاران پیش‌کسوت از سر لطف خواستند با هشدارهای خود مرا برای رویارویی با کلاس آماده کنند:

– بچه‌های تَخسی هستند! همین اول کار سر جاشون بنشونشون.
– اگه همین روز اول دسته‌بندی‌شون کنی، اون قدر هم بد نیستند. چارچشمی مواظبشون باشی، مشکلی پیش نمی‌یاد.
– موفق باشی! جای نگرانی نیست. از عهده‌اش برمی‌یایی. فقط لبخند یادت نره.
چند نفر دیگر از همکاران هم لبخندهای دلسوزانه‌ای بدرقه‌ی راهم کردند. با نزدیک شدن به در کلاس، انواع ترس‌ها و دلواپسی‌ها به من هجوم آوردند:
– از من خوششان خواهد آمد؟
– توان کنترلشان را خواهیم داشت؟
– آیا طرح درسی را که آماده کرده‌ام به یاد خواهیم آورد؟

واقعاً احساس می‌کردم به کام اژدها نزدیک می‌شوم. به خودم می‌گفتم خدایا! چه خاکی به سرم بریزم؟ در همین حین با یادآوری نصیحت یکی از استادانم به خودم نهیب زدم؛ نفس عمیق بکش، سرت را بالا بگیر، لبخند بزن. حالا اوضاع بهتر شده بود.

شرایط زندگی امروز احساس سردرگمی می‌کنند و این احساس در رفتارشان انعکاس می‌یابد که به نوبه‌ی خود موجب نگرانی‌هایی در معلمان می‌شود؛ طوری که احساس می‌کنند با بچه‌هایی گستاخ، ستیزه‌جو، ناآرام، منفی‌باف، منزوی و افسرده طرف هستند. بچه‌ها نیاز دارند بزرگ‌ترها آنان را در مواجهه با شرایطی که به لحاظ عاطفی و رشد اجتماعی قادر به کنار آمدن نیستند، کمک کنند. به‌علاوه، دانش‌آموزان نیاز دارند به لحاظ عاطفی و شعور اجتماعی رشد و آمادگی لازم برای سازگاری با مقتضیات زمانه را کسب کنند.

همواره به خاطر داشته باشید، ما به‌عنوان معلم، با تک‌تک کلمات، اعمال و رفتار ناخودآگاه خود دائماً به بچه‌ها می‌آموزیم که چگونه رفتار کنند و نسبت به ما و هم‌کلاسی‌های خود چه واکنشی داشته باشند. بنابراین، باید این سؤال اساسی را مطرح کرد که بچه‌ها چه چیزی یاد می‌گیرند وقتی که معلم عصبانی می‌شود، فریاد می‌زند، سرزنش می‌کند، تلافی می‌کند، تنبیه می‌کند، از انصاف خارج می‌شود و از بچه‌ها می‌خواهد که به او گوش کنند، بدون آنکه خودش به آن‌ها گوش کند. خلاصه، در مواردی همچون مسئولیت‌پذیری، احترام و قدرشناسی، الگویی رفتاری نیست که از بچه‌ها توقع دارد. اگر شما به‌عنوان معلم دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای الگو بودن نداشته باشید، تدریس برایتان دشوار خواهد بود. نحوه‌ی برخورد شما با دانش‌آموزانتان تأثیری ماندگار بر زندگی آنان می‌گذارد.

به یاد داشته باشید، تمام روزهای شما مهم هستند. چون هر دانش‌آموزی که در حوزه‌ی تأثیر شما قرار می‌گیرد، چه در کلاس و چه در راهرو یا حیاط مدرسه، در آن لحظه برایش حکم یک ستاره را دارید. حال اینکه سوسو بزنید، چشمک بزنید یا



بدرخشید، بستگی به خودتان دارد.

اولین دیدار

هر کلاسی مانند هر گروه اجتماعی نیازمند ضوابط رفتاری نهادینه شده‌ای است تا هر کس بداند دیگران چه انتظاری از او دارند. در این صورت، هر دانش‌آموز خواهد توانست با خیال راحت جایگاه خود را در گروه مشخص کند. به‌عنوان معلم، بسیار مهم است که ضوابط رفتاری کلاس را از همان ابتدا ترسیم کنید. این کار به شما امکان می‌دهد محدودیت‌های حاکم بر کلاس و حد و حدود رفتارها را معین و الگوی مدیریت رفتار کلاسی را پی‌ریزی کنید. طی اولین روزهای حضورتان در کلاس جدید، شما و دانش‌آموزانتان به‌طور ناخواسته یکدیگر را محک می‌زنید. دانش‌آموزان قضاوت‌شان را در مورد شما شکل می‌دهند و شما آنان را ارزیابی می‌کنید. در این زمان حساس که طرفین

به پذیرش یکدیگر تمایل دارند، باید طرح دقیقی بریزید. از این فرصت برای ایجاد ارتباط و بیان انتظاراتتان استفاده کنید. بستر همکاری را آماده کنید. فعالیت‌هایی را ترتیب دهید که فرصت بحث و تبادل اطلاعات را فراهم کنند. به بچه‌ها فرصت دهید با شما و هم‌کلاسی‌هایشان درباره‌ی علاقه‌های شخصی، سرگرمی‌ها، استعدادها و مهارت‌هایشان حرف بزنند و ببینید چطور می‌توان بین آن‌ها و برنامه‌ی

نکته

با دانش‌آموزانتان دوستانه رفتار کنید، اما هرگز با آن‌ها دوست نشوید. مراقب باشید که حرمت جایگاه حرفه‌ای شما همواره حفظ شود. ایرادی ندارد که دانش‌آموزان دوست شما شوند، شما نباید دوست آن‌ها شوید. کافی است رفتارتان دوستانه باشد.

درسی رابطه برقرار کرد.

اولین تأثیر

هر روز به محض ورود معلم به کلاس، دانش‌آموزان پیام‌های غیرکلامی او را که در نحوه‌ی ایستادن، حالات چهره، حرکات و نوع نگاه و لحن صدایش نهفته است، دریافت می‌کنند. آن‌ها همچنین به نحوه‌ی لباس پوشیدن و آراستگی ظاهر معلم توجه دارند. تمام این‌ها حاوی پیام‌های مشخصی هستند که عکس‌العمل مثبت یا منفی دانش‌آموزان را در پی دارند. دانش‌آموزان به‌طور غریزی در جست‌وجوی کسی هستند که بتوانند به او اعتماد کنند و او به نوبه‌ی خود بتواند آن‌ها را هدایت کند؛ معلمی توانمند، مسلط به موضوع درس، پای‌بند به احترام متقابل و برقرارکننده‌ی محیطی آرام برای یادگیری. دانش‌آموزان به‌طور ناخودآگاه توانایی معلم در کنترل

صدای شما مثل سازی است
که می‌نوازد. استفاده‌ی
درست از آن تأثیر زیادی بر
کیفیت تدریس شما خواهد
داشت. به طنین، لحن و بلندی
آن دقت کنید. صدای شما
می‌تواند بچه‌ها را سر شوق
آورد یا موجب دل‌سردی و
ناسازگاری آنان شود.

نکته

«آخه هر وقت این کفشارو می‌پوشه،
خیلی بد اخلاق می‌شه و پدر درمی‌یاره!
باید مراقب باشیم کار دست خودمون
ندیم!»

– ساده و باسلیقه لباس بپوشید.
– تمرین کنید که صاف بایستید و با
طمأنینه راه بروید تا حس اعتمادبه‌نفس
و تسلط را القا کنید.

– از تماس چشمی استفاده کنید. وقتی در
کلاس چشم می‌گردانید، تماس چشمی
مختصر می‌تواند حس تأیید و تصدیق
ایجاد کند و تمرکز دانش‌آموز را بالا ببرد.
– لبخند را فراموش نکنید. باعث آرامش
شما می‌شود. قبل از ورود به کلاس لبخند
را تمرین کنید. لبخند محبت‌آمیز معلم
می‌تواند موجب دلگرمی بچه‌ها و کاهش
تنش شود.

– احساسات و افکار منفی خود را بیرون از
کلاس بگذارید و به خودتان بگویید گرچه
اضطراب دارم، اما فعلاً معلم این کلاس

کلاس را می‌سنجند و مهارت ارتباطی،
دانش، دغدغه‌ها و حوصله‌ی او را ارزیابی
می‌کنند. اگر معلم خود را توانمند و
بائنصاف تشخیص دهند، با او راه می‌آیند،
و گرچه احساس بی‌قراری و تردید بر آنان
غالب می‌شود. در مقابل، شما نیز پیام‌هایی
از سوی شاگردانتان دریافت می‌کنید و
درمی‌یابید که برخی با اعتمادبه‌نفس و
خیال راحت گوش می‌دهند و برخی با
دیدهی تردید به شما می‌نگرند. بعضی‌ها
ممکن است خون‌گرم و مشتاق باشند
و برخی شکاک و منزوی. القای حس
اعتمادبه‌نفس، توجه نشان دادن و تسلط
بر موضوع و شرایط کلاس باعث می‌شود
شاگردان در حضور شما احساس امنیت و
آرامش کنند.

اقدامات لازم

– به نحوه‌ی حضور خود در کلاس دقت
کنید. بچه‌ها در ارزیابی معلم از روی ظاهر
مهارت زیادی دارند.

روزی متوجه شدم بچه‌ها گردن می‌کشند
تا از پنجره‌ی کلاس به حیاط نگاه کنند.
یکی از آن‌ها به بغل‌دستی‌اش گفت: «وَه!
اون جارو نگاه کن، خانم م داره می‌یاد! باز
کفشای قرمزشو پوشیده. زنگ بعد باید
مراقب باشیم.»

دانش‌آموز بغل‌دستی که ظاهراً تازه‌وارد
بود، پرسید چطور مگه؟ و او جواب داد:

هستم و خود را برای این درس آماده
کرده‌ام.

– طرح درس خود را با دقت آماده کنید.
دانستن اینکه چه چیزی را چگونه درس
خواهید داد، اعتمادبه‌نفس شما را افزایش
می‌دهد و این امر به‌طور ناخودآگاه در
رفتارتان منعکس می‌شود.

به قول معروف، وضعیت شما در کلاس
باید مانند اردکی باشد که روی سطح آب
ظاهر آرامی دارد، اما پاهایش مرتب زیر
آب در حرکت‌اند.

– رفتار بچه‌ها را زیر نظر بگیرید و آن‌ها را
هوشیارانه رصد کنید.

– عادت کنید روی رفتارها تمرکز و آن‌ها
را توصیف کنید. یادتان باشد، این رفتارها
هستند که باید مدیریت و در صورت لزوم
عوض شوند، نه دانش‌آموزان.

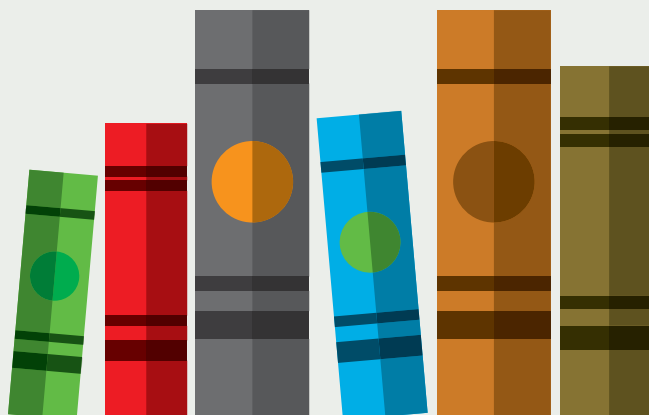
– یک دفترچه‌ی ثبت رفتار برای خودتان
تهیه کنید. در ساعت کلاس، رفتارها را
به‌طور تلگرافی در آن ثبت کنید تا یادتان
بماند دفعه‌ی بعد چه واکنشی نسبت به
آن نشان دهید. برای مثال، ردیف دوم
سمت راست – فلان دانش‌آموز – پریدن
وسط حرف معلم.

– علاوه بر بدرفتری‌ها، موارد مثبت و
قابل تشویق را هم در دفترچه‌ی خود
ثبت کنید. این کار در مدیریت شما مؤثر
خواهد بود.

– دقایقی را برای مرور روز یا هفته‌ای
که پشت‌سر گذاشتید معین کنید و اگر
موردی به ذهنتان رسید، در دفترچه قید
کنید. ■

منبع:

Coat of many pockets:
managing classroom
interactions, Jenny
mackay, Australian council for
Educational Research, 2006





برای دادن بازخورد بهتر به دانش‌آموزان^۱

نظرات سازنده می‌تواند در یادگیری تحولی بزرگ به وجود آورد. البته این امر در صورت کاربرد نادرست، نتایج معکوس خواهد داشت. در اینجا کاربرد صحیح نظرات سازنده را بررسی می‌کنیم.

تشویق باید بیشتر در مورد تلاشی باشد که دانش‌آموز در یادگیری از خود نشان می‌دهد تا نتیجه و قابلیت‌های طبیعی او. به این ترتیب، دانش‌آموزان می‌آموزند ارزش تلاش کردن بسیار بالاتر از نتیجه‌ی کار است.

● امتحان‌های مرسوم را با امتحانات کتاب باز تلفیق کنید

بسیاری مواقع شنیدن واژه‌ی امتحان و تست برای دانش‌آموزان حالتی از اضطراب و تنش عصبی را در پی دارد. بنابراین، امتحان‌های «کتاب باز» که در آن‌ها دانش‌آموزان برای یافتن جواب سؤالات مجاز به استفاده از کتاب هستند، راهکاری مؤثر در کاهش این نگرانی‌ها خواهد بود. همراهی این روش با امتحانات مرسوم باعث دریافت بازخورد مناسب از طرف دانش‌آموزان می‌شود.

● بررسی جزء به جزء

مهم‌ترین عامل در فرایند ارائه‌ی بازخورد بهتر به دانش‌آموزان مشاهده‌ی هر تغییر مثبت در رفتار آن‌هاست. بنابراین، باید با ریزبینی و دقت، کوچک‌ترین تغییر مثبت در رفتار دانش‌آموزان دیده و یادداشت شود تا کار به نتیجه‌ی مطلوب منجر شود. ■

پی‌نوشت

۱. این مطلب ترجمه‌ای است از مقاله‌ی «Seven Ways to give better feedback to your Students» که در بخش تحریریه شبکه آموزشی روزنامه گاردین سال ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است.

● مقایسه نکنید

بهتر است به جای مقایسه یک دانش‌آموز با دیگر هم‌کلاسی‌ها، روی دادن بازخورد بهتر به تک‌تک دانش‌آموزان و براساس توانمندی‌های شخصی تمرکز کنید. مقایسه‌ی دانش‌آموزان با یکدیگر، در بهترین شرایط، بروز رفتارهای خودپسندانه را در پی دارد. همچنین، باعث کاهش انگیزه، پایین آمدن اعتمادبه‌نفس، کاهش توانمندی‌های علمی آن‌ها و بروز تنش‌های عصبی می‌شود.

● دقیق‌تر بازخورد دهید

افراد بزرگسال معنی بازخورد با کلمه‌ای مانند فوق‌العاده را به خوبی می‌دانند، اما درباره‌ی کودکان توضیح دقیق‌تر لازم است تا ابهام‌زدایی شود. برای کودکان درک مفهوم برخی کلمات دشوار است. برای مثال، بهتر است به دانش‌آموز، به جای گفتن «عالی است»، گفته شود روشی که شما برای انجام تکلیف به کار بردی بسیار خوب بود. چنین توضیحاتی کارسازتر هستند.

● روی تلاش تمرکز کنید نه توانمندی‌های طبیعی

تشویق دانش‌آموزان در دریافت بازخورد بهتر از آن‌ها بسیار مؤثر است. این

دادن بازخورد مناسب می‌تواند فرایند دشواری باشد، اما هنگامی که آن را به روش صحیح استفاده کنید، می‌تواند راهکاری مؤثر در بهبود یادگیری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان باشد. البته استفاده‌ی نابجا از این راهکار ممکن است برای یادگیری دانش‌آموزان آسیب‌زا باشد. هفت توصیه‌ی سودمند برای اثربخشی بهتر عبارت‌اند از:

● زیاده‌روی نکنید

اگر دانش‌آموزان برای رسیدن به موفقیتی بسیار کوچک انتظار تشویق شدن دارند، تشویق زیاد می‌تواند آسیب‌زا باشد. تشویق در شروع می‌تواند مؤثر باشد، تشویق زیاد اما توقعات بیشتر و از بین رفتن انگیزه را در پی دارد.

● اشکال را آرام به دانش‌آموز بگویید

دانش‌آموزان نسبت به واکنش دیگر هم‌کلاسی‌هایشان بسیار حساس هستند. بنابراین، دادن بازخورد منفی در حضور دیگران ممکن است حمله به توانمندی‌های آن‌ها در حضور دیگران تلقی شود و در نتیجه باعث بیشتر شدن ترس از شکست شود. یک راهکار غلبه بر این مشکل این است که در حضور سایر هم‌کلاسی‌ها با لحن ملایم و آهنگی بسیار پایین با دانش‌آموز صحبت کرد، به نحوی که فقط خودش بشنود.



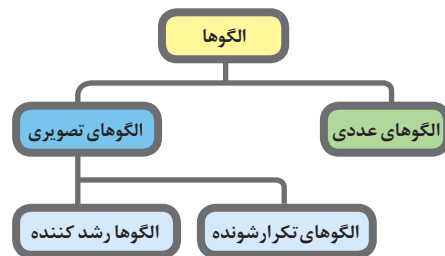
ریاضیات دوره‌ی ابتدایی و الگوها (۲)

الگوها که رشد کنند؛ يك الگو و چند نگاه

مشاهده‌ی یک پدیده از زاویه‌های متفاوت و استفاده از این مشاهدات برای حل مسئله‌های مربوط به آن پدیده، ما را در حل مسئله توانمندتر می‌کند و امکان می‌دهد به جنبه‌های مناسب و مرتبط با آن موضوع توجه کنیم. الگوهای رشدکننده به همین منظور در کتاب‌های درسی ریاضی ابتدایی آمده‌اند. در این مطلب، ابتدا با الگوهای رشدکننده آشنا می‌شویم. سپس یک فعالیت آموزشی مناسب درباره‌ی این نوع الگوها در پایه‌ی چهارم ابتدایی مطرح می‌کنیم. در نهایت می‌خواهیم ببینیم چگونه برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی درباره‌ی یک موضوع، باید آن را از زاویه‌های متفاوت ببینیم یا از جوانب گوناگون بررسی و تحلیل کنیم.

الگوهای رشدکننده

در شماره‌ی گذشته خواندیم، الگوهایی که دانش‌آموزان در کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی با آن‌ها آشنا می‌شوند، دو نوع هستند:



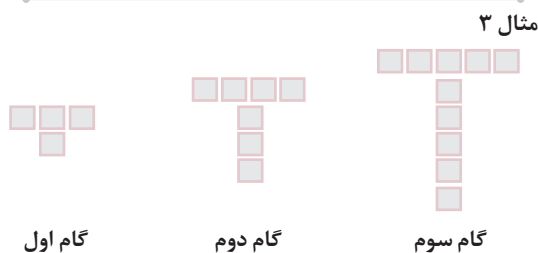
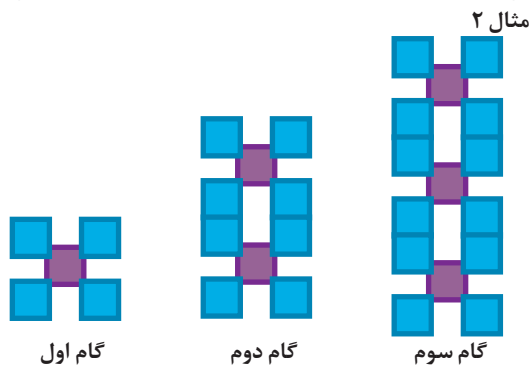
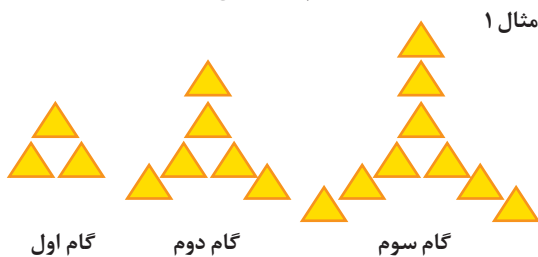
در الگوهای رشدکننده، شکل هر گام از الگو، نسبت به شکل‌های گام‌های قبلی، بزرگ‌تر و دارای اجزای بیشتری است.

درک الگوها به دو طریق امکان‌پذیر است:

- ۱ هر شکل الگو را دقیق توصیف کنیم،
 - ۲ ببینیم شکل‌های الگو در هر مرحله چگونه توسعه می‌یابند و نسبت به مرحله قبل چه تغییری می‌کنند.
- اگر بتوانیم برای الگو توصیف دقیقی پیدا کنیم، خواهیم توانست وضعیت الگو را در گام‌های آینده پیش‌بینی کنیم.

الگوهای رشدکننده

چند مثال





یک الگو و چند نگاه

گفتیم که توصیف الگو برای درک آن و پیش‌بینی آینده‌ی الگو بسیار اهمیت دارد. گاهی افراد تغییرات یا شکل‌های الگو را به شیوه‌های متفاوت می‌بینند و توصیف می‌کنند. مثال روبه‌رو را از کتاب درسی ریاضی چهارم ابتدایی (ص ۹) ببینید:

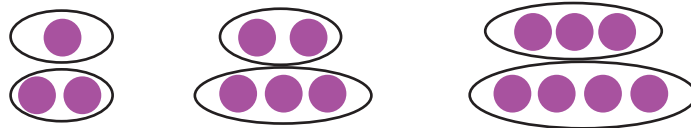
برای پیش‌بینی آینده‌ی الگو و پاسخ دادن به پرسش این فعالیت، ممکن است دانش‌آموزان الگو را به روش‌های گوناگون توصیف کنند. برای مثال بالا این روش‌ها را با هم مرور می‌کنیم:

روش ۱. توصیف ساختار هر شکل



هر شکل شامل چند دسته‌ی دوتایی دایره و یک دایره‌ی تکی است. تعداد دسته‌های دوتایی دقیقاً همان شماره‌ی شکل است.

روش ۲. توصیف ساختار هر شکل



هر شکل از دو ردیف تشکیل شده است که ردیف بالایی یک دایره کمتر از ردیف پایینی دارد.

روش ۳. توصیف ساختار هر شکل



هر شکل شامل یک بسته‌ی سه‌تایی دایره و تعدادی بسته‌ی دوتایی است. تعداد بسته‌های دوتایی هر شکل، یکی کمتر از شماره‌ی شکل است.

روش ۴. توصیف ساختار هر شکل



هر شکل دو ردیف دارد. اگر یک دایره به هر بسته‌ی ردیف بالا اضافه کنیم، تعداد دایره‌های دو ردیف با هم برابر خواهند شد. این تعداد، با شماره‌ی شکل برابر است.

روش ۵. توصیف تغییر شکل نسبت به قبل



هر شکل دو تا دایره‌ی اریب بیشتر از شکل قبل دارد.



الگوهای تصویری رشدکننده چگونه توصیف می‌شوند؟

بار دیگر روش‌هایی را که در صفحه‌ی قبل نوشتیم، بررسی کنید. همه‌ی آن‌ها یک الگو را توصیف می‌کنند، ولی در هر یک، اجزای هر شکل از الگو به یک صورت تجزیه و دسته‌بندی شده‌اند. با بررسی دقیق‌تر می‌بینیم که در کل با دو روش می‌توانیم الگو را توصیف کنیم:

۱. توصیف ساختار تک‌تک شکل‌های الگو با روشی که برای تمام شکل‌های آن الگو یکسان و سازگار باشد؛
۲. توصیف تغییر هر شکل نسبت به شکل قبلی آن، با روشی که در سراسر الگو برقرار باشد.

روش‌های ۱ تا ۴ صفحه‌ی قبل به روش نخست الگو را توصیف کرده‌اند؛ یعنی ساختار هر شکل مستقل از شکل‌های قبلی و بعدی آن توصیف شده است. این ساختار به نوعی به شماره‌ی شکل نیز وابسته است و همان است که شکل‌ها را در مراحل متفاوت الگو تولید می‌کند. بنابراین، با استفاده از این ساختار می‌توان برای مراحل آینده‌ی الگو نیز پیش‌بینی‌هایی کرد.

روش پنجم صفحه‌ی قبل روش توصیف تغییرات است. در این روش، شکل قبل باید به تمامی در شکل بعدی خود دیده شود و تغییراتی که به آن اضافه شده تا آن را بسازد، توصیف شود. این تغییرات باید در تمام مراحل الگو یکسان باشند. یعنی همیشه با یک تغییر مشخص، از یک گام به گام بعدی برسیم. این تغییر ممکن است به شماره‌ی شکل وابسته باشد یا نباشد.

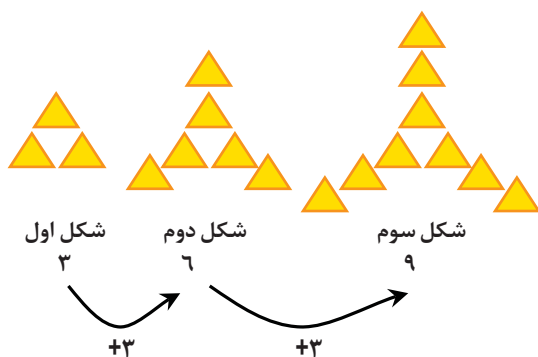
الگوهای تصویری رشدکننده:

دانش‌آموزان به چه توانمندی‌هایی می‌رسند؟

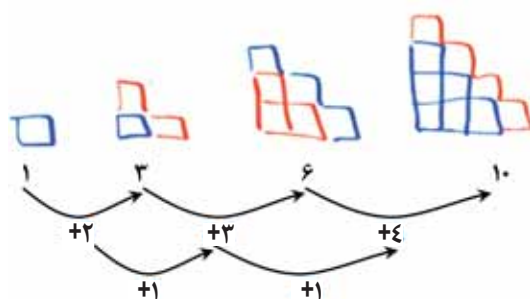
دانش‌آموزان از پایه‌ی چهارم ابتدایی با الگوهای رشدکننده آشنا می‌شوند. در کار با این الگوها آن‌ها باید مراحل زیر را طی کنند:

- روند توسعه‌ی الگو را از روی شکل هندسی آن توصیف کنند؛
 - اعداد متناظر با الگو را به عنوان الگویی عددی بنویسند و روند آن‌ها را توصیف کنند؛
 - ساختار عمومی شکل هر گام از الگو را به طور کلی و در ارتباط با گام آن شکل بیان کنند (یعنی شکل n ام).
- توجه کنید در دوره‌ی ابتدایی که هنوز دانش‌آموزان با عبارات ریاضی آشنا نیستند، آخرین مرحله کاملاً به صورت کلامی صورت می‌گیرد. دانش‌آموزان ابتدایی باید نخست با الگوهای رشدکننده‌ی ساده (مانند الگوهای مثال‌های ۱ تا ۳) آشنا شوند و کار کنند. پس از آن می‌توانند با الگوهای پیچیده‌تر (مانند الگوی مثال ۴) کار کنند.

ارتباط بین الگوهای تصویری و الگوهای عددی: برای هر الگوی تصویری رشدکننده می‌توان یک الگوی عددی نوشت. برای این کار تعداد اجزای شکل هر گام از الگو را می‌نویسیم. مثال‌های زیر را ببینید:



این الگو ساده است. هر بار تعداد ثابتی به اجزای شکل اضافه می‌شود تا شکل مرحله‌ی بعدی به دست آید. این موضوع در الگوی عددی متناظر آن نیز دیده می‌شود.

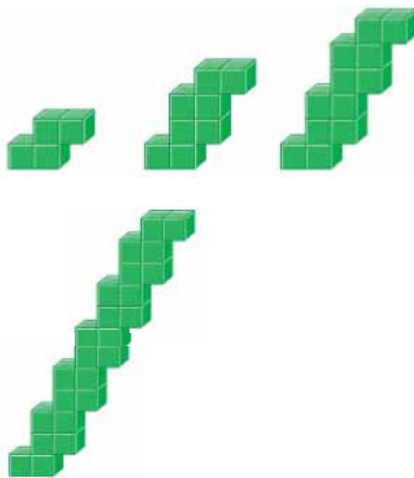


این الگو، یک الگوی ساده نیست زیرا در هر مرحله، اجزایی که به شکل اضافه می‌شوند، خودشان نیز تعدادشان یکی افزایش می‌یابد. این موضوع در الگوی عددی متناظر با آن نیز کاملاً دیده می‌شود.

فعالیت الگویابی

نام اعضای گروه

تاریخ:



۱ به الگوی مقابل نگاه کنید:

الف) شکل ششم چند مکعب خواهد داشت؟

ب) سپیده با ۷۲ مکعب شکلی درست کرد. این شکل چندمین شکل این الگوست؟

پ) برای تبدیل این شکل به شکل بعدی الگو، چند مکعب دیگر نیاز است؟

ت) شکل مقابل چندمین شکل الگوست؟ چرا؟

ث) تعداد ۵۰ مکعب برای ساختن شکل چندم از این الگو مناسب است؟ چرا؟

فعالیت بالا برای دانش آموزان

چهارم دبستان مناسب است.

در این فعالیت دانش آموزان با

یک الگوی ساده‌ی رشد‌کننده

کار می‌کنند. آن‌ها برای پاسخ

دادن به پرسش‌های این

فعالیت باید بتوانند هر شکل

را مستقل از شکل‌های قبل یا

بعد آن توصیف کنند و رابطه‌ی

بین تعداد مکعب‌های شکل را

با شماره‌ی آن شکل در الگو

تشخیص دهند. تنها در پرسش

(پ) دانش آموزان باید تغییرات

شکل‌های الگو را شناسایی

کنند و تشخیص دهند که

برای ساختن یک شکل از

شکل قبلی‌اش چند مکعب باید

اضافه کنند.

بحث کلاسی درباره‌ی روش‌های

متعددی که ممکن است هر

گروه برای توصیف الگو داشته

باشد، به توانایی‌های حل

مسئله‌ی دانش آموزان در کل و

توانایی آن‌ها در کار با الگوها

کمک می‌کند.

چالش‌های یاددهی-یادگیری الگوهای رشد‌کننده

تجربه‌های معلمان حاکی از وجود مشکلاتی در یاددهی-یادگیری این نوع از الگوها در دانش آموزان ابتدایی است. برخی دانش آموزان در تشخیص شکل گام قبل درون شکل بعدی‌اش مشکل دارند و برخی نمی‌توانند اجزای هر شکل از الگو را دسته‌بندی مناسبی کنند تا بتوانند روشی برای شمارش تعداد آن اجزا پیدا کنند.

از طرف دیگر، در بعضی الگوها که شکل پیچیده‌تری دارند، گاهی برای پاسخ دادن به هر پرسش درباره‌ی شکل‌های آینده در الگو، نیاز است این دسته‌بندی و توصیف به صورت خاصی انجام شود. از این رو خوب است در کار کردن با این الگوها شرايطی در کلاس درس ایجاد کنیم که دانش آموزان این شیوه‌های مختلف را نیز ببینند. بحث‌های کلاسی درباره‌ی انواع راه‌حل‌ها، دانش آموزان را به‌طور کلی در حل مسئله توانمند می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات جدی دانش آموزان، به‌خصوص در پایه‌های بالاتر، استفاده‌ی نابه‌جا از تناسب در الگوهاست که روند رشد آن‌ها پیچیده است. تصویر مقابل را ببینید:

با انجام فعالیت‌های مناسب بیشتر در کلاس درس که با بحث و تبادل نظر در گروه‌های کوچک دانش آموزی و بحث‌های خوب کلاسی همراه باشد، و بررسی اشتباهات دانش آموزان با کمک کل کلاس، به ایجاد فضای یاددهی-یادگیری فعال کمک کنید. ■



$$\text{شکل } ۱۰ = ۲۱ \text{ دایره}$$

$$\begin{array}{c} \text{شکل} \\ \text{دایره} \end{array} \quad \begin{array}{c} \times 10 \\ 10 \quad 100 \\ \times 10 \end{array} \quad \begin{array}{c} ? \\ = 210 \end{array}$$



نسل راست قامت

اهمیت حرکات اصلاحی در مدارس

هنگامی که در مورد سلامتی صحبت می‌شود، بی‌تردید وضعیت بدنی مطلوب در رأس فهرست عوامل تن‌درستی و سلامت قرار می‌گیرد. وضعیت بدنی مناسب به معنی قرار گرفتن مناسب استخوان‌ها، ستون مهره‌ها و مفاصل است، به‌طوری که عضلات و رباط‌ها به‌طور طبیعی عمل کنند. بدین ترتیب، در وضعیت بدنی صحیح، فعالیت عضلات در کمترین حد خود است. این شرایط همچنین به عملکرد طبیعی و مناسب ارگان‌های داخلی، سیستم عصبی و سیستم تنفسی کمک می‌کند (۲۱). منظور از وضعیت بدن، حالت واحدی از ساختار بدن در کلیه موقعیت‌های ایستایی و حرکتی مثل نشستن، ایستادن، خوابیدن، راه رفتن و دویدن است.

بدیهی است، قرارگیری مداوم بدن در راستایی غیر طبیعی و وضعیت بدنی نامناسب طی استراحت یا حین انجام کار باعث ایجاد ناهنجاری بدنی، ناراحتی، درد و ناتوانی مزمن کمر و گردن می‌شود (۲۱). برخی از ناهنجاری‌های بدنی یا علائم قابل مشاهده‌ی ناشی از وضعیت‌های نامطلوب قامتی عبارت‌اند از: شانه‌های نامتعادل یا گرد شده، ستون فقرات تابدار، سر کج، سر به جلو، پشت صاف، پشت کج، پشت گرد، لگن مایل، لگن بیش از حد به جلو یا به عقب چرخیده، زانوی عقب رفته، پاهای به داخل یا به خارج چرخیده، پاهای ضرب‌دري، پاهای پرانتری و ناهنجاری‌های دیگر بدنی.

ضرورت و اهمیت طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی

با توجه به شرایط زندگی آپارتمان‌نشینی و جامعه‌ی ماشینی امروز، فقر حرکتی به همراه عادت‌های وضعیتی و حرکتی نادرست در کودکان و نوجوانان تهدیدی اساسی برای سلامت حال و آینده‌ی این گروه سنی است، که جامعه را مستعد گسترش انواع ناهنجاری‌های بدنی طی دهه‌های آینده می‌کند. از آنجا که عادت به کم تحرکی و اتخاذ شیوه‌های نادرست وضعیت یا حرکت اعم از نشستن، ایستادن، خوابیدن و حمل اشیاء بیشتر در سنین پایین شکل می‌گیرد و در

طول سال‌های بعدی عمر پایدار می‌ماند، ضروری است قبل از تثبیت و شکل‌گیری این عادت‌ها اقدامات لازم برای پیروی از اصول و شیوه‌های صحیح حرکت به مورد اجرا درآید، چرا که تلاش‌های بعدی در جهت تغییر عادت‌های تثبیت شده بسیار مشکل و چه بسا پرهزینه خواهد بود. به‌علاوه، پیشگیری نکردن مناسب و به‌موقع از تثبیت این عادت‌ها وضعیتی نامناسب از یک سو و فقر حرکتی از سوی دیگر باعث بروز ضعف و ناهنجاری‌هایی در دستگاه استخوانی، عضلانی و مفصلی افراد جامعه می‌شود. این ضعف و ناتوانی نه تنها شکل ظاهری

فرد را تغییر می‌دهد، بلکه یکی از عوامل انزوا، افسردگی، فشار روی مفاصل بدن و در نتیجه آرتوروز زودرس و بیماری‌های دیگر می‌شود. اختلالات اسکلتی عضلانی هنوز آن قدر شدت نیافته‌اند که برای فرد مبتلا مشکلات جدی ایجاد کنند و او را به دست جراح ارتوپد بپارند یا ناگزیر به استفاده از وسایل کمکی و انواع بریس‌ها و پروتزها کنند و عنوان بیمار به فرد اطلاق شود. بنابراین، امکان شناسایی، بهبود و اصلاح از طریق حرکات اصلاحی وجود دارد. براساس شیوه‌نامه‌ی اجرایی طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی، وزارت آموزش و پرورش بر انجام اقدامات لازم به‌منظور پیشگیری، شناسایی به موقع تغییرات نامطلوب قامتی و ارائه‌ی حرکات اصلاحی به دانش‌آموزان تأکید می‌کند. در این راستا مقرر است، کارشناسان مسئول تربیت بدنی و سلامت و مدیران مدارس طبق ضوابط و مقررات شیوه‌نامه‌ی طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی، همکاری لازم را با هم داشته باشند.



بدن، اعتماد به نفس و شادابی فرد نام برد و در بخش اجتماعی، بهره‌وری بالاتر، نشاط بیشتر و صرفه‌جویی در هزینه‌های بهداشت و درمان کشور قابل ذکر است. لذا آموزش وضعیت‌های درست بدنی و پیشگیری از ناهنجاری‌های ناشی از رعایت نکردن آن‌ها امری ضروری است. این آموزش، به خصوص برای دانش‌آموزان، از اهمیت بیشتری برخوردار است. برنامه‌ی اصلاح وضعیت بدنی دانش‌آموزان قصد دارد با آموزش و فرهنگ‌سازی عادت‌های وضعیتی و حرکتی صحیح شامل نشستن، ایستادن، خوابیدن، راه رفتن و حمل اشیاء به دانش‌آموزان در مدرسه و خانه، از بروز تغییرات نامطلوب قامتی آنان جلوگیری کند و در صورت داشتن ناهنجاری دانش‌آموزان را شناسایی و با تمرینات اصلاح وضعیتی از پیشرفت عادت‌های غلط جلوگیری کرده و اصلاح شوند. دبیران تربیت بدنی با همکاری مراقبان سلامت مدارس می‌توانند با استفاده از منابع علمی یا جزوات آموزشی استانی (تهیه شده توسط گروه آموزشی) با طرح درس مدون، مواد آموزشی تئوری در رابطه با مفاهیم وضعیت‌های مطلوب بدنی را به دانش‌آموزان ارائه دهند. همچنین، اختصاص بخشی از نمره‌ی مستمر و پایانی مربوط به حیطه‌ی نگرشی و همچنین حیطه‌ی دانشی و مهارتی ارزشیابی در ارتباط با فعالیت‌های خارج از کلاس و شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه، به گزارش‌های دریافتی از دانش‌آموزان و

نامناسب است و امکان تشکیل کلاس در محوطه‌ی روباز وجود ندارد، ارائه شود و یا به صورت جزوه، بروشور، عکس و پوستر در اختیار دانش‌آموزان و والدین قرار گیرد. مکان‌های مناسب اجرا: کانون حرکات اصلاحی، اتاق ورزش، کلاس درس، حیاط مدرسه، سالن اجتماعات و نمازخانه.

بخش‌ها

طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی دو بخش دارد:
الف) برنامه‌ی اصلاح وضعیت بدنی دانش‌آموزان (راست‌قامتی)؛
ب) کانون‌های تن‌درستی و حرکات اصلاحی.

اصلاح وضعیت بدنی دانش‌آموزان (راست‌قامتی)

داشتن وضعیت مطلوب بدنی اثرات مثبت فردی و اجتماعی فراوانی برای فرد و جامعه دارد. از فایده‌های فردی وضعیت مطلوب بدنی می‌توان به کاهش خستگی، ارتقای سطح عملکرد اعضا و دستگاه‌های

اهداف طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی

- پیشگیری از عادت‌های غلط وضعیتی و حرکتی
- پیشگیری از شیوع ناهنجاری‌های اکتسابی دستگاه عصبی - عضلانی - اسکلتی
- آموزش دانش‌آموزان در زمینه‌ی عادت‌ها و الگوهای حرکتی صحیح
- ارجاع و معرفی دانش‌آموزان دچار ناهنجاری‌های اسکلتی مشاهده شده توسط معلم یا مربی بهداشت یا تیم غربالگر به کانون‌های تندرستی و حرکات اصلاحی
- ارزیابی و اصلاح ناهنجاری‌های بدنی توسط مربیان حرکات اصلاحی

شرایط زمانی و مکانی

زمان مناسب اجرا: محتوای آموزشی مورد نظر پایه‌های تحصیلی در این برنامه می‌تواند در بخش‌هایی از ساعت درس تربیت بدنی، به‌ویژه زمانی که شرایط جوی

براساس شیوه‌نامه‌ی اجرایی طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی، وزارت آموزش و پرورش بر انجام اقدامات لازم به منظور پیشگیری، شناسایی به موقع تغییرات نامطلوب قامتی و ارائه‌ی حرکات اصلاحی به دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

اصلاح یا کاهش ناهنجاری‌های عضلانی اسکلتی خود فعالیت می‌کنند.

مراحل و فرآیند اجرایی طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی (الف) تشخیص و غربالگری

تشخیص به چند صورت انجام می‌شود:

۱ رسیدگی به مراجعان حضوری: مربیان افرادی را که خود بدون معرفی‌نامه از مدرسه برای معاینه و ارزیابی به کانون می‌روند، ارزیابی می‌کنند و پس از تشخیص نوع ناهنجاری و شدت آن، برای شروع روند اصلاحی‌شان پرونده تشکیل می‌دهند.

۲ شناسایی از طریق معلم تربیت‌بدنی.

۳ اعزام غربالگر به مدارس: فرد یا تیم غربالگر کانون تن‌درستی و حرکات اصلاحی با دریافت ابلاغ از مدیر اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه، ناحیه و شهرستان و با هماهنگی مدیران مدارس در خصوص تعیین روز ارزیابی و شرایطی که دانش‌آموزان باید در هنگام غربالگری داشته باشند، به مدرسه‌ها می‌روند.

ب) تشکیل پرونده و ارائه‌ی خدمات
ج) ارزشیابی و ارائه‌ی گزارش: سنجش و ارزیابی مجدد ناهنجاری‌های دانش‌آموزان در دوره‌های مشخص زمانی و ارائه‌ی گزارشی از مراحل و روند اصلاح دانش‌آموز به اولیا، مدرسه‌ی محل تحصیل دانش‌آموز و اداره‌ی محل خدمت.

وظایف معلمان، مربیان بهداشت و کارشناس مسئول تربیت‌بدنی و سلامت در حوزه‌ی سلامت، نقش اصلی در آموزش به دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان بر عهده‌ی کارشناس مسئول تربیت‌بدنی و سلامت و معلمان است. معلمان و مربیان بهداشت در مدرسه با دانش‌آموزان به‌طور مستقیم و مستمر تماس دارند. به همین دلیل، می‌توانند وضعیت و عملکرد روزانه‌ی آن‌ها را به‌خوبی رصد کنند. البته وظیفه‌ی معلم یا مربی بهداشت تشخیص بیماری و درمان



در مورد پیشگیری از ناهنجاری‌های بدنی داشته باشند.

اولیایشان، مبنی بر رعایت عادات حرکتی مناسب در منزل، بدون مانع است.

کانون تن‌درستی و حرکات اصلاحی

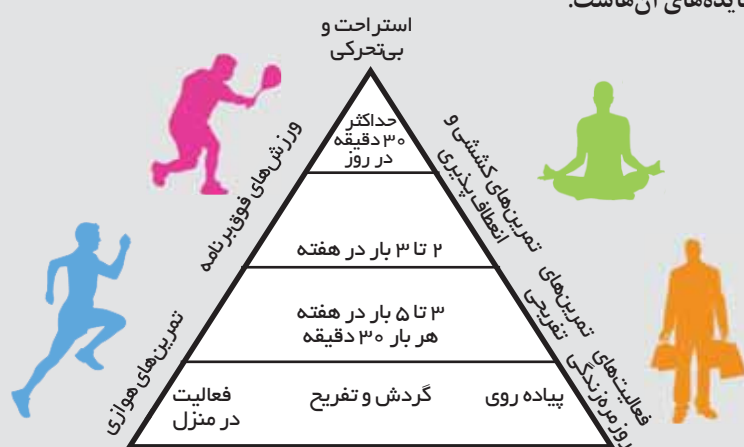
معاینه‌ی طبی و فیزیکی، مطابق برنامه‌های مراقبت سلامت هر کشور که در هر سنی متفاوت است، ضرورت دارد. معاینه‌ی فیزیکی سالانه‌ی کودکان و نوجوانان نیز می‌تواند فرصتی به وجود آورد تا اختلافات جسمی زودرس شناسایی و اصلاح شوند. لذا وجود کانون‌های تن‌درستی و حرکات اصلاحی در تشکیلات ادارات آموزش و پرورش مناطق، نواحی و شهرستان‌ها برای آموزش، شناسایی و اقدام به موقع در خصوص دانش‌آموزان دارای ناهنجاری و کمک به بهبود و اصلاح ناهنجاری‌های قامتی آنان در راه رسیدن به تن‌درستی و سلامتی، ضروری به‌نظر می‌رسد. کانون تن‌درستی و حرکات اصلاحی فضای مناسبی است که در آن دانش‌آموزان، تحت نظر مربیان دوره دیده و متخصص با بهره‌گیری از امکانات و لوازم خاص، در جهت انجام تمرینات اصلاحی از طریق اجرا در منزل یا اجرا در کلاس‌های داخل کانون، در راستای

نحوه‌ی نظارت و پیگیری برنامه‌ی اصلاح وضعیت بدنی دانش‌آموزان

۱ تذکرات و یادآوری مداوم به دانش‌آموزان از طرف معلم تربیت‌بدنی، مراقب سلامت و سایر معلمان
۲ توصیه‌ی مدیر و معاون در مراسم آغازین و تشویق دانش‌آموزان به حفظ وضعیت صحیح بدنی
۳ آموزش و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها. مدیران مدارس لازم است تمهیدات لازم را به‌منظور آگاه‌سازی اولیای دانش‌آموزان به عمل آورند (طرح در جلسات انجمن اولیا، ارسال اطلاعیه و ...) و نسبت به طراحی فرم مناسب، مکاتبه با اولیا و همچنین تکثیر و در اختیار قرار دادن رسانه‌های آموزشی مناسب و مرتبط اقدام کنند. نقش والدین در این فرایند می‌تواند خیلی کمک‌کننده باشد. مربی سلامت یا تیم کانون تن‌درستی و حرکات اصلاحی باید با هماهنگی مدیر مدرسه در برنامه‌های خود جلساتی به‌منظور آگاه‌سازی والدین

راز طول عمر

هرم فعالیت بدنی راه خوبی برای به تصویر کشیدن انواع فعالیت و میزان تأثیر هر یک در ایجاد تندرستی و آمادگی جسمانی است. مانند هرم مواد غذایی برای فعالیت بدنی نیز هرمی تعریف شده است. در این هرم، فعالیت‌های بدنی قسمت‌های پایین بیشتر و فعالیت‌های بدنی قسمت‌های بالاتر کمتر انجام می‌شوند. رعایت موارد این هرم به کسب آمادگی جسمانی و تقویت و توسعه‌ی آن منجر می‌شود. هرم فعالیت بدنی الگوی مفیدی برای توصیف انواع فعالیت و فایده‌های آن‌هاست.



نکات قابل توجه

- هیچ فعالیتی به تنهایی همه‌ی مزایا را تأمین نمی‌کند.
- در برخی موارد می‌توان یک فعالیت را جایگزین دیگری کرد.
- کم فعالیت کردن بهتر از اصلاً فعالیت نکردن است.
- انجام فعالیت‌های طبقه‌ی سوم، حتی اگر فعالیت‌های دو سطح بالاتر را در حد محدودی انجام می‌دهید، مفید است.
- چهار سطح هرم بر اساس میزان نتایج مفید حاصل از فعالیت بدنی منظم مشخص شده‌اند.
- فعالیت‌هایی که بر تندرستی جامعه و گروه‌ی کثیری از مردم تأثیر بیشتری دارند، در قاعده‌ی هرم قرار دارند.
- از آن‌جا که فعالیت‌های قاعده‌ی هرم، شدت نسبتاً کمتری دارند، انجام آن‌ها به مذاق بسیاری از افراد که به تازگی برنامه‌ی فعالیت بدنی را شروع می‌کنند، خوشایندتر است و مزایای بیشتری دارد. ضمن اینکه این گونه فعالیت‌ها مفید نیز هستند. فعالیت‌های نزدیک به قاعده‌ی هرم، به‌طور معمول باید نسبت به فعالیت‌هایی که به قله هرم نزدیک‌تر هستند، به دفعات بیشتری انجام شوند.

منبع

ورزش و فعالیت بدنی منظم (از مجموعه راهنمای آموزشی شیوه زندگی سالم) - تألیف: دکتر حامد فرساد و همکاران

نیست، ولی حمایت سریع و صحیح از دانش‌آموز، وظیفه‌ی اوست و می‌تواند در پیشگیری و تشخیص ناهنجاری‌های بدنی به دانش‌آموزان کمک کند و برای ارزیابی دقیق و اصلاح ناهنجاری‌ها او را به کانون تن‌درستی و حرکات اصلاحی هدایت کند. در این موضوع، مربی بهداشت مدرسه می‌تواند خیلی کمک کند، چون در نظر بسیاری از والدین ایشان پزشک مدرسه است.

به‌طور خلاصه، وظایف کارشناس مسئول تربیت بدنی و سلامت طرح راست‌قامتی و حرکات اصلاحی عبارت‌اند از:

۱. راه‌اندازی کانون تن‌درستی و حرکات اصلاحی و انجام شیوه‌نامه‌ی اجرایی آن طبق مصوبه‌ی وزارت آموزش و پرورش.
۲. توانمندسازی، به‌روزرسانی اطلاعات و بهره‌گیری از دانش متخصصان حرکات اصلاحی، دبیران تربیت بدنی و مربیان بهداشت در زمینه‌ی سنجش ساختارقامتی و حرکات اصلاحی.
۳. ترویج موضوع ناهنجاری‌های بدنی در جامعه (فرهنگ‌سازی) و به‌خصوص بین مدارس و خانواده‌ها.
۴. گردآوری مطالب، پوستر و جزوات برتر به‌منظور استفاده در مدارس و کانون.
۵. ترغیب و تشویق و ایجاد رقابت سازنده بین همکاران در تولید دانش مفید. نکته‌ی آخر، ما در قبال پیشگیری، شناسایی و اصلاح ناهنجاری‌های بدنی مسئول هستیم و این یکی از وظایف ماست. ■

منابع

۱. دانشمندی، حسن؛ علیزاده، محمد حسین و قراخلو، رضا (۱۳۹۴). حرکات اصلاحی. انتشارات سمت. تهران.
۲. سخنگویی، یحیی و افشارمند، زهره. (۱۳۹۳). حرکات اصلاحی. انتشارات حتمی.

آشنایی با یک جلسه کلاس درس تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی

برنامه‌ی درس تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی بر حرکات پایه و آمادگی جسمانی تکیه کرده است که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری وضعیت مکانیکی بدن در شرایط ایستا و پویا دارد. آموزش شکل‌های صحیح حرکات پایه، یعنی راه رفتن، دویدن، پریدن و جهش تا پایان دوره‌ی ابتدایی ادامه دارد. تمرین حرکات پایه از سطح ساده آغاز و در طی سه پایه‌ی اول تکمیل می‌شود. در سال‌های چهارم تا ششم، حرکات پایه جای خود را به مهارت‌های پایه‌ی ورزشی می‌دهند.



ارزش‌هایی اخلاقی همچون صداقت، مسئولیت‌پذیری، تعاون و همکاری، و ایجاد روحیه‌ی نشاط و شادی، یادگیری را عمیق‌تر خواهند کرد.

نکته

رابرت وایت می‌گوید: بازی کردن برای همه‌ی افراد شادی‌آفرین است، ولی برای کودکان، علاوه بر شادی‌بخش بودن، عملی جدی محسوب می‌شود.

لباس، تذکرات لازم و حضور و غیاب و آمادگی بدنی شامل گرم کردن عمومی و اختصاصی است. با استفاده از انواع راه رفتن و دویدن، فعالیت‌های نرمشی و کششی و بازی‌های متنوع، آمادگی انجام فعالیت را در دانش‌آموزان فراهم می‌کنید. در گرم کردن تخصصی نرمش‌های مرتبط با هدف آموزشی استفاده می‌شود. برای مثال، اگر هدف آموزشی کلاس انواع پرش باشد، از نرمش‌های تقویت‌کننده‌ی اندام تحتانی و مفاصل آن استفاده می‌شود. این مرحله تقریباً ۳۰ درصد کل زمان را به خود اختصاص می‌دهد (۱۳-۱۰ دقیقه).

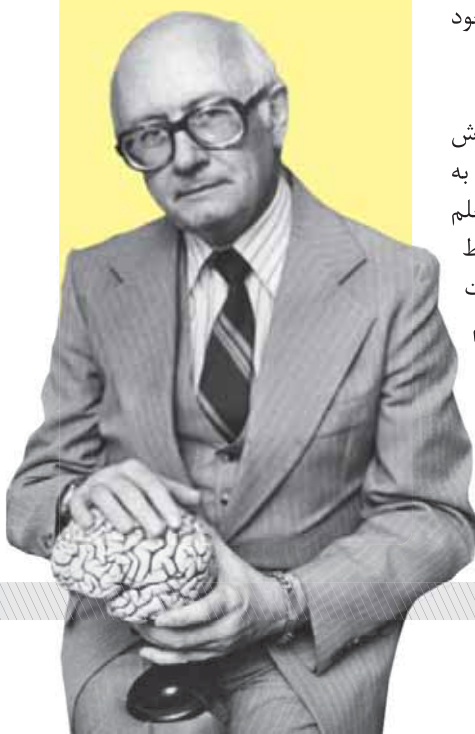
پیاده کردن هدف: نحوه‌ی آموزش مهارت در کلاس تربیت بدنی ابتدا به صورت نمایش حرکت توسط معلم و به دنبال آن انجام حرکت توسط دانش‌آموزان و بازخورد و هدایت مناسب توسط معلم است. معلم پس از توضیحات و آموزش لازم در خصوص مهارت اصلی، می‌کوشد در قالب بازی به هدف آموزش دست یابد. بازی‌ها با تأکید بر

برای دستیابی به اهداف درسی برنامه‌ریزی لازم است که یکی از آن‌ها تهیه‌ی طرح درس است. طرح درس اساس و پایه‌ی آموزش را تشکیل می‌دهد و در شکل بخشیدن به یادگیری نقش اساسی دارد. معلم نیز باید نقشه‌ای آموزشی طراحی کند که در آن محتوای آموزش، روش آموزش، رسانه و وسایل کمک‌آموزشی پیش‌بینی می‌شوند. طرح درسی که خوب تهیه شده باشد می‌تواند:

- فعالیت آموزشی را نظم دهد.
- ارزشیابی را برای معلم آسان کند.
- هدف‌های مبهم را روشن کند.
- معلم را متوجه تفاوت‌های فردی کند.
- توجه معلم را به روش‌های مناسب آموزش جلب کند.

در تهیه‌ی طرح درس باید به این موضوع توجه داشت که سازمان‌دهی و تنظیم ساعت آموزشی درس تربیت بدنی (۴۵ دقیقه) شامل سه مرحله است: ۱. آمادگی؛ ۲. پیاده کردن هدف آموزشی (مرحله‌ی اصلی)؛ ۳. بازگشت به حالت اولیه.

آمادگی: این مرحله شامل دو بخش است. آمادگی سازمانی شامل تعویض



نکات مهم و قابل توجه معلمان برای داشتن کلاسی بهتر

• معلم پوشش مناسب ورزشی داشته باشد تا خود الگویی برای دانش آموزان باشد.

• معلم با دانش آموزان ارتباط نزدیک داشته باشد.

• دانش آموزان پوشش مناسب ساعت درس تربیت بدنی شامل کفش و لباس ورزشی را دارا باشند.

• توصیه می شود در برنامه ها و تمرینات شیوهی یادگیری مشارکتی به کار برود و دانش آموزان برای رسیدن به هدف مشترک با هم تلاش و احساس مسئولیت کنند. معلمان می توانند در شروع هر نیمه سال بعد از شناسایی دانش آموزان آن ها را به گروه های همسان تقسیم و فعالیت های آموزش را در قالب گروه دنبال کنند.

این مرحله است که ۷-۵ دقیقه را دربرمی گیرد. اهداف درس تربیت بدنی محقق نمی شود، مگر با حضور معلمان آگاه و دلسوز که بتوانند با انواع روش های آموزشی و اجرای انواع تمرینات و بازی های حرکتی در محیطی دوستانه و در قالب فعالیت های گروهی، فضای کلاس را به محیطی شاد و نشاط انگیز و تربیتی تبدیل کنند تا دانش آموزان علاوه بر کسب آمادگی جسمانی و حرکتی و ارتقای سطح مهارت های پایه، به تمرین عملی زندگی بپردازند.

کتاب معلم (راهنمای تدریس) ویژهی تمام پایه های دوره ی ابتدایی، برای درس تربیت بدنی تدوین شده است که می تواند راهنمای مناسبی برای کیفیت بخشی درس تربیت بدنی توسط آموزگاران باشد. ■



کشتی سیستم قلبی - تنفسی به حالت اولیه بازمی گردد. این مرحله فرصت خوبی برای ارائه ی تذکرات بهداشتی، ایمنی، اخلاقی و مرور درس است.

در بحث تذکرات بهداشتی می توان به تغذیه ی قبل و بعد از ورزش و مضرات فعالیت بلافاصله بعد از خوردن غذا اشاره کرد و اهمیت آب و مایعات را در حین فعالیت ورزشی متذکر شد.

رعایت ایمنی در محیط ورزشی و شناخت و آگاهی دانش آموزان نسبت به موارد آن از بروز آسیب جلوگیری می کند.

۱۵ درصد از کل زمان کلاس مختص

بنابراین، بازی کردن کودکان را به هیچ عنوان نمی توان وقت تلف کردن دانست، زیرا بخش مهمی از آینده ی کودک با بازی کردن شکل می گیرد و به این ترتیب استعداد های نهفته و پنهان او فرصت شکوفایی می یابند.

این مرحله بیشترین زمان ساعت درس تربیت بدنی را به خود اختصاص می دهد. حدود ۵۵ درصد از زمان کل که معادل ۲۵-۳۰ دقیقه است.

بازگشت به حالت اولیه: در مرحله ی قبل، ضربان قلب و سرعت دستگاه گردش خون و تنفس بالا می رود و با راه رفتن آرام و نفس گیری و انجام حرکات

حواسش بود یا نبود؟

صحنه‌ی اول



عصر بچه‌ها فعال بودن. من فقط سلام دادم و بعد رفتم کلاس سنتور. دوستام که نمی‌دونستن من رفتم کلاس، از دستم ناراحت شدن که ظاهراً فلانی نمی‌خواد تو گروه باشه.

اما معلمون نوشته بود شاید فلانی مشغول کاریه که نمی‌تونه الان تو گروه حرف بزنه. کاری به درست و غلط تشکیل این گروه تلگرامی ندارم. کاری هم به هدف از آن، آن هم در اواخر سال تحصیلی، ندارم. تنها روی جمله‌ای که پسر من از او نقل کرد تأکید می‌کنم؛ این جمله: «شاید فلانی مشغول کاریه که نمی‌تونه الان تو گروه حرف بزنه.»

تصور من کاملاً غلط بود. بهتر بودن این معلم، به سختی درس یا راحتی ورزش ربطی ندارد، این معلم فقط حواسش به بچه‌ها هست!



صحنه‌ی دوم



اوایل آبان ماه، حدود ساعت هفت عصر با پسر من بیرون بودیم. از خستگی و درد کمر شکایت کرد. گفت دلش می‌خواهد جایی بنشینند و تکیه کند. مثل همیشه از او گله کردم که: پسر من سعی کن قوی باشی. تحمل داشته باش. زبان به اعتراض گشود که: «مامان اگر خودت هم پنج ساعت پشت به نیمکت بشینی و نتونی تکیه بدی، خسته می‌شی دیگه!»

یعنی چی پسر من؟! خب تکیه بده. چرا تکیه نمی‌دی؟
چطوری آخه؟ من نیمکت آخر و ته کلاس می‌شینم. پشتم نیمکتی نیست که تکیه بدم!



خب به دیوار تکیه بده! سرده؟ یخ می‌کنی؟
کاش سرد بود مامان. نیمکتمون از دیوار فاصله داره و خانمون اجازه نمی‌ده بریم عقب، چون فاصله‌مون از تخته زیاد می‌شه. از مادر بودنم ناراحت شدم! چرا تا به حال این را نمی‌دانستم! چطور معلم این همه بی‌توجه بوده؟! چطور یک ماه تمام، پنج روز در هفته، پنج ساعت، این بچه و نفر پهلویی او تکیه‌گاه نداشته‌اند و معلم توجهی به این موضوع نکرده‌است؟

فردای آن روز به مدرسه رفتم. هیچ عمدی در کار نبود. این معلم فقط حواسش به این بچه‌ها نبود که تکیه‌گاه لازم دارند، اما ندارند! همین و همین.

صحنه‌ی سوم



- مامان، امروز معلمون پرسید در آینده می‌خواهید چه کاره بشید. متین، همون بغل دستیم که وقتی کلاس چهارم بودیم، اصلاً روخوانی فارسی بلد نبود، گفت می‌خواد گوینده خبر و مجری بشه! باورت می‌شه مامان؟! البته الان روخوانیش بهتر شده‌ها! اما درش زیاد خوب نیست! می‌خوام بگم به همین خیال باش، اما نگفتم!

- یه وقت اینو بهش نگی‌ها! عوضش یه سؤال ازش بپرس تا خودش بفهمه که برای این کار مناسب نیست. فردا ازش سؤال کن چرا فکر می‌کنه می‌تونه مجری بشه.

روز بعد، پسرم برایم تعریف کرد که وقتی از دوستش پرسیده است چرا می‌خواهد مجری شود، متین گفته است که به‌نظر خودم، روخوانی فارسی‌ام خوب نیست. دارم تلاش می‌کنم کتاب قصه و داستان بخوانم تا بهتر بشوم. خلاصه متوجه شدیم، معلم کلاس پنجمشان، یک بار که متین حاضر نمی‌شده از روی درس بخواند، به او گفته است که فقط چند خط بخواند.

او به سختی خوانده و بچه‌ها کندخوانی او را مسخره کرده‌اند. اما معلمشان به همه‌ی کلاس گفته که متین صدای فوق‌العاده‌ای دارد. او وعده داده است که ۲۰ سال بعد، همگی صدای او را در رادیو یا تلویزیون بشنوند، افتخار خواهند کرد که با او هم‌کلاس بوده‌اند.

بعد هم، در گوش متین آهسته گفته است که تا می‌تواند کتاب بخواند، چون او می‌تواند گوینده‌ی خوبی شود. در پایان این مکالمه، پسرم گفت عجب بدشانسی هستم! کاش آن سال من و متین هم‌کلاس می‌شدیم تا معلم ما هم آن خانم باشد و به من هم بگوید چه استعدادی دارم و چه شغلی برایم خوب است! این معلم خوب حواسش به تأثیر کلامش بود!



صحنه‌ی چهارم



به تازگی معلمی را شناختم‌ام که خوزستانی است. خودش را آقا معلم خوزستانی^۱ معرفی می‌کند. انرژی و صفناپذیری در کارش دارد.

این همه اشتیاق به معلمی توچه‌م را جلب کرد. راستش به من هم انرژی داد. پرونده‌ی پزشکی فؤاد را در کیفش دارد. آمده است تهران تا ضمن انجام کاری اداری، پیش پزشک متخصص برود و درباره‌ی پیشرفت یا پسرفت بیماری فؤاد صحبت کند.

می‌گوید فؤاد مشکل عروقی دارد. متأسفانه هنوز درمانی برایش نیست. شش ماه پیش که آقا معلم تازه فؤاد را شناخته، او در نهایت تنها شش ماه برای زندگی زمان داشته است. امروز آن شش ماه به سر آمده، ولی فؤاد سالم‌تر از شش ماه قبل است؛ شاید از نظر جسمی تحلیل‌رفته باشد، اما امیدش به زندگی بیشتر شده است. او آقا معلم را دارد. این معلم تمام حواسش پیش فؤاد است.

پی‌نوشت

۱. درباره‌ی این معلم در اینترنت اطلاعات خوبی موجود است. کافی است کلیدواژه‌ی «آقا معلم خوزستانی، مهرایی» را جست‌وجو کنید.



گفت‌وگو با دکتر فاطمه رضانی
معاون آموزش ابتدایی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی

رویکردها و مأموریت‌های جدید آموزش ابتدایی

فاطمه رضانی متولد ۱۳۴۴ تهران، فارغ‌التحصیل کارشناسی «علوم تربیتی» با گرایش «آموزش و پرورش کودکان استثنایی» و کارشناسی ارشد «برنامه‌ریزی آموزشی» و دکترای «تعلیم و تربیت اسلامی» است. فعالیت در زمینه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی؛ در وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان برنامه و بودجه و سازمان صداوسیما در کارنامه‌ی ایشان به چشم می‌خورد.

سمت کنونی: معاونت آموزش ابتدایی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی

فهرست برخی از این فعالیت‌ها عبارت است از:

- مشارکت در تألیف کتاب «ارزشیابی خلاق در تعلیم و تربیت بصیرت‌گرا» و «مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی»
- مسئولیت کمیته‌ی تقویت رویکرد فرهنگی - تربیتی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی
- فهرست برخی از مقالات
- آموزش اخلاق در برنامه‌ی جدید تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی ابتدایی (هدیه‌های آسمان)
- ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در برنامه‌ی هدیه‌های آسمان
- خلاقیت و تعلیم و تربیت دینی
- رویکرد نوین و تربیت دینی دوره‌ی ابتدایی و آشنایی با «هدیه‌های آسمان»
- آشنایی با نقش و جایگاه کتاب در آموزش و یادگیری «هدیه‌های آسمان»
- دیدگاه برنامه‌ی جدید تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی ابتدایی در مورد یادگیری
- هدیه‌های آسمان کتاب‌های درسی را تغییر می‌دهند
- گزارش یک تجربه: تصویرگری کتاب «هدیه‌های آسمان»
- عضویت در شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی دینی دوره‌ی ابتدایی
- مشارکت در تألیف کتاب‌های دینی به‌ویژه راهنمای معلم هدیه‌های آسمان پایه‌های دوم تا پنجم
- مشارکت در ساخت فیلم و نرم‌افزار چند رسانه‌ای آموزشی ویژه‌ی معلمان ابتدایی
- مشارکت در طراحی و تدریس در دوره‌های تأمین مدرس هدیه‌های آسمان

اگر بخواهیم در ۲۰ سال آینده جامعه‌ای پیشرفته در همه‌ی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی داشته باشیم، آموزش ابتدایی ما چه جایگاهی دارد و چه نقشی می‌تواند در این مسیر ایفا کند؟ معلمان ابتدایی چه وظیفی در این باره دارند؟ آیا اهداف و برنامه‌های امروز آموزش ابتدایی ما در چنین مسیری حرکت می‌کنند؟ آیا معلمان دوره‌ی ابتدایی سراسر کشور با اهداف و برنامه‌های جدید آموزش ابتدایی کشور آشنا هستند و در این زمینه آموزش لازم را دیده‌اند؟ آیا...

دومین گفت‌وگو از مجموعه گفت‌وگوهای «نقش آموزش ابتدایی در پیشرفت کشور» را به گفت‌وگو با خانم دکتر فاطمه رضانی، معاون آموزش ابتدایی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اختصاص داده‌ایم. خانم دکتر رضانی حدود ۳۰ سال در آموزش و پرورش سابقه‌ی کار دارد. قریب به ۱۰ سال است معاون آموزش ابتدایی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی است. او مدرک لیسانس علوم تربیتی با گرایش آموزش و پرورش کودکان استثنایی، فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی آموزشی و دکترای تعلیم و تربیت اسلامی دارد.

● خانم دکتر! لطفاً در ابتدا اهداف و مأموریت‌های دوره‌ی آموزش ابتدایی را براساس اسناد بالادستی، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی، توضیح دهید و بفرمایید چه رویکردهایی دارند؟

براساس پیش‌نویسی که دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری بر مبنای اسناد بالادستی و سند تحول و برنامه‌ی درسی ملی تهیه کرده، مأموریت عمده‌ی دوره‌ی اول ابتدایی آموزش مهارت‌های پایه است. در جریان هستید که روزگاری مأموریت آموزش ابتدایی در کشور ما آموزش خواندن و نوشتن و ریاضیات به‌چهار بود. ولی با تغییراتی که در جامعه‌ی جهانی، دنیای تکنولوژی و میزان دسترسی به‌چهار به اطلاعات، حتی قبل از مدرسه، رخ داده است، دیگر مأموریت دوره‌ی ابتدایی نمی‌تواند مثل روزگار گذشته باشد. شما مشاهده می‌کنید که خیلی از به‌چهار قبل از مدرسه می‌توانند حروف و برخی کلمات را بخوانند. برخی از به‌چهار از این هم جلوتر می‌روند؛ اگر مقداری بیشتر با آن‌ها کار شود. البته شاید خواندن با فهم یا تمرین لحن

خواندن قبل از مدرسه اتفاق نیفتد. اما به نظر می‌رسد قرار نیست که آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی کمک کند به‌چهار فقط خواندن و نوشتن یاد بگیرند.

به‌چهارهای امروز هم به مهارت‌هایی برای ورود به دوره‌های بعدی تحصیلی و هم به مهارت‌هایی برای زندگی موفق و شهروند موفق و مؤثر بودن نیاز دارند و این مهارت‌ها باید در دوره‌ی ابتدایی آموزش داده شوند.

من به شخصه به این موضوع اعتقاد دارم و فکر می‌کنم پیش‌نویسی که براساس اسناد تحولی برای مأموریت‌های دوره‌های تحصیلی تهیه شده است، این زمینه را فراهم می‌کند که در دوره‌ی ابتدایی، به جای اینکه به ریاضیات به‌عنوان یک رشته‌ی علمی، یا به ادبیات و علوم به همین شکل بها بدهیم، کمک کنیم هرکدام از آن‌ها وسیله‌ای باشند که به‌چهارها مهارت‌های پایه‌ی یادگیری را بیاموزند. یعنی دانش‌آموز بتواند مشاهده‌گر خوبی باشد، به خوبی، طبقه‌بندی کند، استدلال کند، از حواسش استفاده کند و راه و رسم به خاطر سپردن و به خاطر آوردن را یاد بگیرد.

به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی را که برای رشد و حضور مؤثر در جامعه و دنیای آینده نیاز دارد، کسب کند. عزت نفس، خویشتن‌داری، خودرهبی و مهارت‌هایی از این قبیل باید در دوره‌ی ابتدایی پرورش داده شوند. اگر هدف ما پرورش این ویژگی‌ها در به‌چهارهای ابتدایی باشد، مواد درسی که امروز اصالت با آن‌هاست، وسیله‌هایی برای تحقق این ویژگی‌ها در به‌چهارها خواهند بود.

خلاصه کنیم براساس پیش‌نویسی که برای اهداف و مأموریت‌های دوره‌ها تهیه شده است، «دوره‌ی اول ابتدایی در پی تدارک فرصت‌های تربیتی برای شناسایی و رشد متوازن و همه‌جانبه، کسب آداب (اخلاقی، دینی، اجتماعی) و فراگیری مهارت‌ها و راهبردهای پایه‌ی یادگیری است. پرورش خلاقیت، به‌کارگیری شهود، حواس و تخیل، تقویت شوق یادگیری با تکیه بر بازی‌های دبستانی و نیز طراحی برنامه‌های تلفیقی، از لوازم تدارک فرصت‌ها در این دوره‌اند. در سیاست‌گذاری‌های این دوره، توجه به آزادی عمل کودکان، ایجاد محیط غنی و شاداب برای بروز تفاوت‌های فردی و کسب تجارب دست اول به کمک برنامه‌های منعطف و مشارکت خانواده‌ها ضروری است.»

● شما به مأموریت‌ها و اهداف دوره‌ی اول ابتدایی اشاره کردید. مأموریت‌ها و اهداف دوره‌ی دوم ابتدایی چیست؟

مأموریت اصلی دوره‌ی دوم ابتدایی «اجتماعی شدن» است.

«این دوره در پی تدارک فرصت‌های تربیتی برای کمک به یادگیرنده در شناخت توانایی‌ها، محدودیت‌ها و علاقه‌های خود و همچنین، پرورش خلاقیت و قوه‌ی تخیل و تفکر علمی و منطقی، درک روابط علت و معلولی، توانایی تشخیص و بازشناسی ارزش‌ها (خوب و بد) است. توجه به تفاوت‌ها و محدودیت‌های دانش‌آموزان در کسب دانش پایه، مفاهیم و مهارت‌های اساسی در حوزه‌های یادگیری در قالب برنامه‌های درسی تلفیقی (که به‌طور هم‌زمان محتوای یادگیری سایر حوزه‌ها را نیز پوشش دهد) برای تعمیق یادگیری ضروری است. در تدارک فرصت‌های تربیتی زمینه‌ی کسب تجربه‌های فردی و گروهی در محیط مدرسه و خارج از آن، پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد خود و دیگران، پرورش روحیه‌ی نظم‌پذیری، قانون‌گرایی و کار جمعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموز همراه با مشارکت خانواده مورد توجه است.»

نکته‌ی قابل توجه در این دوره این است که بچه‌ها توانایی تفکرشان نسبت به دوره‌ی اول رشد بیشتری پیدا می‌کند. از این امکان تازه می‌توان برای تثبیت و تقویت همان مهارت‌های پایه‌ی یادگیری استفاده کرد. و تفاوت عمده‌ی این دو دوره می‌تواند در ابزارها و روش‌های مناسب برای این کار باشد.

● برای اجرای اهداف و مأموریت‌های جدید دوره‌ی ابتدایی چه کارهایی انجام شده است؟

در سال ۱۳۹۰ که تغییر محتوای دوره‌ی ابتدایی به ما تکلیف شد، چون هنوز برنامه‌ی درسی ملی تصویب نشده بود، سازمان، برنامه‌ای را در پیش گرفت و روی بخش‌هایی از اسناد سرمایه‌گذاری و تأکید کرد که مطمئن بود بعداً تغییر نمی‌کند و آن هم جنبه‌ی پرورش تفکری بود. همه آن موقع متفق‌القول بودیم که پرورش تفکر در برنامه‌های درسی ما به اندازه‌ی کافی مورد توجه قرار نگرفته و ضروری است به آن توجه شود. در پی این رویکرد و این نگاه چند اتفاق تازه در تعریف‌های جدید ما رخ داد. مثلاً در درس ریاضی، اگر قبلاً مسئله‌ی ما این بود که بچه‌ها بتوانند عملیات ریاضی را با سرعت و دقت انجام

دهند و توانایی انجام عملیات پیچیده را داشته باشند، این بار بر فهم مفاهیم ریاضی تأکید شد و پرورش مهارت‌هایی که ریاضی می‌تواند به آن‌ها کمک کند، مد نظر قرار گرفت؛ مانند استدلال کردن، استنباط کردن، نتیجه‌گیری و حل مسئله؛ البته نه به‌عنوان حل مسائل ریاضی.

خوشبختانه این تغییرات را از پایه‌ی اول تا پایه‌ی ششم انجام دادیم. اگر معلمان ابتدایی به همین موضوع متوجه کنند و تصورات قبلی خودشان را درباره‌ی هدف از درس ریاضی کنار بگذارند، به نظرم اتفاقات خیلی خوبی رخ خواهد داد.

عین همین مطلب را در درس علوم هم داشتیم. البته درس علوم از ۲۰ سال پیش این تغییر را در رویکرد برنامه‌اش ایجاد و به معلم‌ها اعلام کرده بود که هدف، آموزش اطلاعات و یافته‌های فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی به بچه‌ها نیست، بلکه موضوع این است که به بچه‌ها کمک کنیم روش‌های علمی را یاد بگیرند. یعنی وقتی برایشان سؤالی پیش می‌آید که با روش‌های تجربی می‌توانند پاسخ آن را به دست آورند، توانایی یافتن پاسخ را داشته باشند.

اگر کتاب‌های جدید علوم را ملاحظه کنید، تعداد آزمایش‌ها بیشتر شده و برای فهم هر کدام از مفاهیم در علوم تجربی، قدم به قدم و آهسته زمینه‌سازی شده است. این شیوه در درس ادبیات هم از ۱۰ سال قبل شروع شده بود. در کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم پرورش مهارت‌های زبان‌آموزی تأکید می‌شد. شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن مورد تأکید بود نه فقط خواندن و نوشتن.

برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی هم که سال‌ها بدون تغییر باقی مانده بود، با رویکرد کاوشگری و تلفیق تاریخ و جغرافی و بخشی که در کتاب‌های قدیمی «مدنی» نام داشت، تغییر کرد. بنابراین، اگر به همه‌ی موارد به‌طور جمعی نگاه کنید، به نسبت گذشته اتفاقات خوبی افتاده است. البته شاید نمود اجرایی این تغییرات در کلاس‌های درس دوره‌ی ابتدایی چندان قابل مشاهده نیست. این موضوع دلایل گوناگونی دارد که قطعاً یکی از آن‌ها «کنکورزدگی» در نظام آموزشی ماست.

● چقدر معلمان ابتدایی با مأموریت‌های جدید این دوره آشنا و هم‌سو شده‌اند؟

خیلی کمتر از آنچه انتظار می‌رفت. مثال می‌زنم. وقتی در سال ۹۱ کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم با همین رویکرد جدید تألیف شد، هدفش این بود که بچه‌ها بتوانند مطالبی را که یاد می‌گیرند، در زندگی روزمره‌شان به کار ببرند. یکی از این مباحث، موضوع تصمیم‌گیری است. در این کتاب، مراحل تصمیم‌گیری و اینکه تصمیم تحت تأثیر چه عواملی است و چطور می‌توان تصمیمی خوب و درست گرفت و آن را عملی و

شاید یکی از دلایلی که موجب می‌شود معلمان ابتدایی با بالا رفتن مدرک تحصیلی‌شان، مدارس ابتدایی را ترک کنند و به دوره‌ی متوسطه بروند، همین باشد که به نقش اساسی آموزش ابتدایی در پیشرفت و توسعه‌ی کشور باور نداشته باشند



یعنی هر سال يك دوره‌ی تأمین مدرس گذاشته می‌شود و مدرسان به معلمان آموزش می‌دهند. ولی به نظر می‌رسد میزان این آموزش‌ها کافی نبوده است. در مدت ۴۰ ساعت نمی‌توان درس ریاضی را که رویکردش نسبت به گذشته فرق کرده، نقاط تأکید آن تغییر یافته و نمود آن در محتوا متفاوت شده است، به مدرسان آموزش داد. مدرسان ظرف ۴۰ ساعت نمی‌توانند بر مسائل و موضوعات و محتوای جدید تسلط کافی پیدا کنند، هرچند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای اینکه جای خالی آموزش‌ها را پر کند، بسته‌های آموزشی حاوی فیلم و فایل‌های منبع پشتیبان را در اختیار معلمان قرار داده است، ولی همین‌ها هم گاهی اوقات به موقع به دست معلمان نرسیده‌اند یا به هر دلیل معلمان نتوانسته‌اند از آن‌ها استفاده کنند. به نظر می‌رسد، این شرایط از بازده مطلوب تغییرات کاسته است! همه‌ی این عوامل دست به دست هم

اجرا کرد، طراحی و تألیف شده است.

يك روز ما برای بازدید از نحوه‌ی تدریس این درس در کلاسی حضور پیدا کردیم. معلم کلاس کتابش را به ما نشان داد و گفت از درس تصمیم‌گیری ۴۰ سؤال طرح کرده است. گفتم این درسی نیست که بتوان ۴۰ سؤال از آن استخراج کرد. چه نوع سؤال‌هایی طرح کرده‌اید؟ دیدم در ابتدای جملات يك آیا و چرا گذاشته‌اند و جواب آن را در متن علامت زده‌اند. یا برای مثال پرسیده‌اند مراحل تصمیم‌گیری را نام ببرید. در حالی که اصلاً مسئله‌ی کتاب این نبوده. هدف کتاب یاد دادن مهارت تصمیم‌گیری است.

شاهد دیگر بر این مدعای تغییر نیافتن روال، توجه کمتر به درس‌های هنر و تربیت‌بدنی است. هنوز هم وقتی به مدرسه می‌روید، می‌بینید که به راحتی ساعت هنر و تربیت‌بدنی را به سایر درس‌ها مثل ریاضی و علوم اختصاص می‌دهند. هنوز هم نزد گروهی از معلمان، ریاضی و علوم نسبت به هنر و تربیت‌بدنی جایگاه بالاتری دارد؛ در حالی که با رویکرد جدید اتفاقاً هنر نقش بسیار مؤثری در تحقق اهداف دوره دارد.

ما سال‌هاست برای درس هنر راهنمای معلم داریم و معلم می‌تواند براساس آن برنامه‌ی کلاس هنرش را تا آخر سال پیش ببرد.

● چرا با گذشت چند سال، هنوز معلمان ابتدایی با رویکردهای کتاب‌های جدید آشنا و هم‌سو نشده‌اند؟ از سال ۱۳۹۰ که تألیف کتاب‌های جدید درسی شروع شد، هر سال روش تدریس آن نیز به معلم‌ها آموزش داده می‌شود.

هنوز هم وقتی به مدارس می‌روید، می‌بینید که به راحتی ساعت درس‌های هنر و تربیت‌بدنی را به درس‌هایی مثل ریاضی یا علوم می‌دهند؛ در حالی که با رویکرد جدید، اتفاقاً درس هنر شاید خیلی مؤثرتر از ریاضی و علوم باشد



**بچه‌ها در دوره‌ی ابتدایی باید یاد بگیرند
مشاهده‌گران خوبی باشند؛ استدلال کنند؛
طبقه‌بندی کنند؛ از حواسشان به خوبی استفاده
کنند و عزت نفس، خویشتن‌داری، خودرهبی
و ... در وجودشان پرورش داده شود**

اما هنوز قوت این جریان به آن حدی نرسیده است که بگوییم مسیر آموزش کشورمان نسبت به گذشته فرق کرده است. البته با وجود همه‌ی نارسایی‌ها، چیزی که امروز ما را امیدوار می‌کند، همین اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی است. اگر واقعاً اهداف این اسناد محقق شوند و به کتاب‌های درسی و سطح مدرسه برسند و مسیرشان را خوب طی کنند و آموزش‌های لازم بابت آن‌ها داده شود و بخش‌های گوناگون وزارتخانه برای تحققشان عزم جدی داشته باشند، ان شاءالله اتفاق‌های خوبی رخ خواهد داد. ما هنوز به وقوع اتفاق خوب امیدواریم.

● **به نظر شما، این باور که آموزش ابتدایی زیربنا و اساس پیشرفت کشور است، چقدر می‌تواند معلمان ما را در انجام وظایفشان جدی سازد؟**

باور به این نکته که اساس و پایه‌ی پیشرفت کشور آموزش ابتدایی است، می‌تواند به نقش کلیدی معلمان در انجام وظایف جدیدشان خیلی کمک کند. اگر معلمان ابتدایی چنین نقشی برای خود قائل باشند، پایگاه اجتماعی آن‌ها نزد خودشان استحکام بیشتری پیدا می‌کند و تأثیر زیادی بر عملکرد آن‌ها می‌گذارد. شاید یکی از دلایلی که موجب می‌شود معلمان ابتدایی با بالا رفتن مدرک تحصیلی‌شان، مدارس ابتدایی را ترک کنند و به دوره‌ی متوسطه بروند، همین باشد که چندان به نقش اساسی آموزش ابتدایی در پیشرفت و توسعه‌ی کشور باور ندارند.

البته باور به این موضوع هم صرفاً با این کار که به معلمان بگوییم در دنیا دوره‌ی ابتدایی دوره‌ی مهمی است، محقق نمی‌شود. باید با شواهد اجرایی و فراهم کردن تسهیلات کار در این دوره این موضوع را به آن‌ها ثابت کرد. اگر واقعاً دوره‌ی ابتدایی موضوع جدی کشور باشد، مثل خیلی از کشورهای دنیا که روی آن سرمایه‌گذاری بسیاری می‌کنند، معلمان ابتدایی را از میان دارندگان مدارک تحصیلی بالاتر انتخاب و آن‌ها را از جنبه‌های مختلف حمایت می‌کنند.

● **به‌عنوان آخرین سؤال، چه توصیه‌هایی برای هم‌سویی معلمان با مأموریت‌ها و رویکردهای کتاب‌های جدید دوره‌ی آموزش ابتدایی دارید؟**

پیشنهاد من این است که معلمان به اهداف کتاب‌های جدید مسلط شوند، در جریان رویکردهای کتاب‌های جدید دوره‌ی ابتدایی قرار بگیرند و تنها به نوشته‌ها و نکته‌های کتاب تأکید نکنند. مطمئن هستیم، اگر معلمان به رویکردهای جدید کتاب‌های درسی توجه کنند و با ذهنیت‌های قبل و نگاه آزمون تیزهوشان و کنکور دانشگاه به آن‌ها نگاه نکنند با مأموریت‌های جدید دوره‌ی ابتدایی بیشتر هم‌سو می‌شوند. ■

دادند که این موضوع، آن‌طور که مورد نظر برنامه‌ریزان بود، به نتیجه نرسد. در کل، این اوضاعی است که همچنان شاهد آن هستیم. کتاب‌های کمک‌آموزشی پر از سؤال و جواب‌هایی از متن درس‌ها هستند که به تحقق اهداف واقعی تألیف کتاب‌های درسی جدید کمکی نمی‌کنند.

البته ما امیدواریم، با کارهایی که سازمان و بخش‌های متعدد وزارتخانه در حال انجام آن‌ها هستند، به نتیجه‌ی مطلوب برسیم. یکی از این کارها تألیف کتابی با نام ارزشیابی توصیفی برای معلمان دوره‌ی ابتدایی است که برای اولین بار در آن کتاب، همه‌ی اهداف مواد درسی شش پایه، به تفکیک در چهار سطحی که کارنامه‌های ارزشیابی توصیفی نیاز دارند، تدوین شده است. نکته‌ی دیگر که لازم است به آن توجه داشت، این است که فهمیدن برنامه‌ها و حرف‌های جدید به زمان نیاز دارد. حتی در خود وزارت آموزش و پرورش خیلی زمان می‌برد تا این حرف‌ها جا پیدا کند که دانش‌آموز موفق کسی نیست که بتواند مطلبی را تعریف کند. دانش‌آموز موفق کسی است که موضوعات را فهمیده باشد و در زندگی به کار ببرد.

همه‌ی این‌ها، تحقق موضوع و رسیدن به اهداف را به تأخیر می‌اندازند؛ هرچند اتفاقات خوبی هم افتاده‌اند. به هر حال، در مواجهه با برخی معلمان گاهی می‌بینیم یک نکته‌ی جدید را چنان درک کرده و پرورش داده‌اند و در کارها و طراحی آموزشی خود و در آزمون گرفتن رعایت می‌کنند که دلگرم‌کننده است

نقدک به وضعیت کنونی مدارس غیر دولتی

با توجه به اینکه دولت به تنهایی نمی‌تواند هزینه‌های بسیار آموزش و پرورش را تأمین کند، یکی از هدف‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاران بخش آموزشی کشور توسعه مشارکت‌های مردمی در تأسیس، اداره و تأمین هزینه‌های آموزشی و پرورشی است. به همین منظور و برای توسعه مشارکت و سرمایه‌گذاری افراد حقیقی و حقوقی در آموزش و پرورش، در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۵ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در حال حاضر، در ساختار اداری و تشکیلاتی آموزش و پرورش، مدارس غیردولتی زیر نظر سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده‌فعالیت می‌کنند و مجوزهای مربوطه را از ادارات مشارکت‌های مردمی مستقر در ادارات کل و نواحی و مناطق دریافت می‌کنند که باید در دفتر مدرسه در معرض دید نصب کنند.

یکی از ویژگی‌های بارز مدرسه‌ی مطلوب، ایجاد محیطی محرک برای یادگیری مؤثر و عمق بخشیدن به یادگرفته‌های دانش‌آموزان است. ایجاد چنین محیطی در مدرسه به استفاده از معلمان و مربیان مجرب و دوره دیده در فرایند یاددهی-یادگیری هر مدرسه وابسته است. معلمان شاغل در مدارس غیردولتی به ترتیب اولویت باید یکی از این گزینه‌ها باشند:

- معلمان رسمی که به‌عنوان مأمور در این گونه مدارس تدریس می‌کنند؛
 - معلمان بازنشسته‌ی توانمند؛
 - معلمان نیروی آزاد که تأییدیه‌ی گزینش و گواهی دوره‌های مرتبط لازم برای تدریس را دارا هستند.
- واقعاً چند درصد از معلمان مدارس غیردولتی از نیروهای رسمی آموزش و پرورش هستند؟!

آنچه مشخص است، با توجه به کمبود نیرو در خود آموزش و پرورش رسمی، در مدارس غیردولتی تقریباً از هیچ نیروی رسمی به صورت مأمور استفاده نمی‌شود! در مورد معلمان بازنشسته‌ی توانمند هم این نکته نیاز به یادآوری دارد که بیش از نود درصد همکاران عزیزی که بعد از طی سالیان خدمت در مدارس دولتی و با تحمل مشقت‌های زیاد بازنشسته شده‌اند، اگر هم توانمند باشند، امروز دیگر نه قادر به ارائه‌ی توانمندی خود هستند و نه انگیزه‌ای برای ارائه‌ی توانمندی خود دارند. در حالی که امروزه تشخیص توانمند بودن همکار بازنشسته برای تدریس در مدارس غیردولتی، بیشتر بر عهده‌ی روابط است نه بر اساس ضوابط! تعداد معلمان نیروی آزاد که در مدارس غیردولتی تدریس می‌کنند به شدت رو

به افزایش است. معلمی، مثل بسیاری از مشاغل، علاوه بر داشتن تخصص و توانایی علمی و حرفه‌ای، لازمی دیگری هم دارد و آن عشق و شوق است. فردی که با داشتن مدرک عالی‌ی تحصیلی در رشته‌های نظری و فنی، به جای آنکه در رشته‌ی تخصصی‌اش به کار گرفته شود، در مدرسه‌ای غیردولتی با کمترین حقوق و مزایا در رشته‌ی غیرتخصصی تدریس کند، می‌تواند عاشق معلمی باشد و با شوق در کلاس درس حضور یابد؟ آیا دوره‌های مرتبط لازم برای تدریس را گذرانده است؟ در حال حاضر، آموزش و پرورش در دانشگاه فرهنگیان چهار سال برای هر دانشجو هزینه می‌کند تا از او معلم بسازد. مدارس غیردولتی ما چه مدت و چه میزان برای نیروهای آزاد هزینه می‌کنند؟ آیا فرستادن این همکاران به دوره‌های کوتاه مدت ضمن خدمت در طول سال که جمعاً دویست ساعت هم نمی‌شود، چاره‌ساز است؟ از دیگر معیارها و ملاک‌های یک مدرسه‌ی مطلوب، به‌خصوص غیردولتی، موقعیت استقرار ساختمان و فضای مدرسه، برنامه‌ی درسی و فوق برنامه‌ی مصوب است. دانش‌آموزانی که از نظر مالی توانایی ثبت‌نام در مدارس تحت نظارت شما را دارند، آینده‌سازان این مملکت هستند. اگر می‌خواهید آینده را بسازید، پیشرفت آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان را مد نظر داشته باشید، چراکه مدارس غیردولتی باید هدفشان آموزش بهتر و با کیفیت‌تر، با استفاده از معلمان باتجربه و روش‌های تدریس پیشرفته و کارایی و بهره‌وری بیشتر باشد، نه تبلیغات غیرواقعی برای جذب دانش‌آموزان بیشتر و درامدزایی. ■



جایگاه والای معلم در نظام آموزشی فنلاند

معلمان فنلاندی، همانند سایر معلمان، تدریس و تکالیف دانش‌آموزان را بررسی می‌کنند. دانش‌آموزان نیز همانند دانش‌آموزان سایر کشورها، برخی به درس معلم گوش می‌دهند و برخی دیگر بی‌توجه‌اند. در برخی مدارس این کشور شیوهی تدریس خوب و در برخی دیگر بد است. اما چه چیز باعث شده است که نظام آموزش و پرورش فنلاند موفق باشد و از سایر کشورها متمایز شود؟ چرا دانش‌آموزان فنلاندی موفق هستند و در مقایسه با سایرین عملکرد بالایی دارند؟ ریشه‌ی این تفاوت در آموزش نیست. تدریس را می‌توان در بسیاری از مدارس کشورهای پیشرفته مانند آلمان پیدا کرد. این تفاوت بنیادی است و ریشه در طرز تفکر مردم و فلسفه‌ی آموزش و پرورش کشور فنلاند دارد. مردم این کشور بر این باورند که هر چیزی به اندازه‌ی بزرگ کیفیت خوب در زندگی کافی است. برای مثال، خانه‌هایشان تا اندازه‌ی بزرگ است که در آن به راحتی زندگی کنند. آن‌ها در خرید و مصرف زیاده‌روی نمی‌کنند. ساده زندگی می‌کنند و فروتن هستند. آن‌ها به جای خریدهای انبوه از یک یا چند جنس، مانند خرید چندین جفت کفش، یک کفش گران‌قیمت می‌خرند که سال‌ها برایشان کار کند و آن را بپوشند. آن‌ها بر این باورند که هر چیزی کمتر، اما با کیفیت‌تر بهتر است.

این مسیر را انتخاب می‌کنند. البته همه به دانشگاه نمی‌روند. دانش‌آموزان در انتخاب مسیر تحصیلی خود مجبور نمی‌شوند. دانش‌آموزانی که می‌دانند استعداد آن‌ها خارج از تحصیلات دانشگاهی است و رفتن به دوره‌ی سه‌ساله دبیرستان ممکن است برای آن‌ها غیرمفید یا خسته‌کننده باشد، در دوره‌های آموزشی حرفه‌ای شرکت می‌کنند و به کشف مشاغل می‌پردازند که برایشان جذابیت دارد و در آن استعداد دارند. از این طریق، دانش‌آموزان احساس ارزش می‌کنند و آنچه را در سایه‌ی آموزش و پرورش به‌دست می‌آورند، یعنی ورود به بازار کار، دوست خواهند داشت. تنها ۵ درصد وارد این دوره می‌شوند.

زمان کمتر در مدرسه و استراحت بیشتر

در فنلاند دانش‌آموزان معمولاً مدرسه را از ساعت ۷/۵ صبح شروع می‌کنند. ساعت کار مدارس معمولاً ساعت ۲ تا ۲:۴۵ تمام می‌شود. البته مدارس ابتدایی در ۱۲:۳۰ تعطیل می‌شوند. برخی از روزها مدرسه

که براساس رشته‌ی تحصیلی خود در مدارس می‌خواهند وارد مؤسسات آموزش عالی شوند. این دوره ترکیبی از مدارس متوسطه و کالج است و بیشتر از ۴۰ درصد فارغ‌التحصیلان سال نهم وارد این مرحله می‌شوند.

آموزش فنی و حرفه‌ای: دوره‌ای سه‌ساله است که دانش‌آموزان را برای حرفه‌ها و شغل‌های موردنیاز بازار کار تربیت می‌کند. البته به این دانش‌آموزان نیز حق انتخاب داده می‌شود تا برای ورود به دانشگاه آزمون بدهند. دانش‌آموزان در این مسیر معمولاً از انتخاب خود رضایت دارند. پس از اتمام این مرحله، فارغ‌التحصیلان یا وارد بازار کار یا وارد کالج‌های چندحرفه‌ای می‌شوند و تحت آموزش‌های بیشتری قرار می‌گیرند. حدود ۶۰ درصد از فارغ‌التحصیلان سال نهم

تحصیلات رسمی کمتر، بر خورداری از قدرت انتخاب بیشتر

در فنلاند دانش‌آموزان آموزش رسمی را از هفت سالگی شروع می‌کنند و به کودکان اجازه داده می‌شود کودک باشند، از طریق بازی یاد بگیرند و به جای نشستن و حبس شدن در کلاس درس، به کشف دنیای پیرامون خود بپردازند. کودکان در واقع زمانی مدرسه را شروع می‌کنند که به لحاظ رشدی آماده‌ی یادگیری و تمرکز باشند. در فنلاند طول مدت آموزش رسمی و اجباری نه سال است. بعد از سال نهم ادامه‌ی تحصیل دانش‌آموزان اختیاری است. آن‌ها در ۱۶ سالگی می‌توانند یکی از دو مسیر زیر را انتخاب کنند.

سه ساله‌ی دوم متوسطه: این دوره از تحصیل مخصوص دانش‌آموزانی است

نیازهای تمامی دانش‌آموزان آشنا شود. او به درستی درمی‌یابد که دانش‌آموز در فرایند یادگیری خود، در ابتدا کجا قرار داشته است و الان کجا دارد و پیشرفت دانش‌آموزان را پیگیری می‌کند و با علاقه نظاره‌گر موفقیت دانش‌آموزان در تحصیل و دستیابی به اهداف آموزشی است. برای دانش‌آموز هیچ اجباری در گذر از یک دوره به دوره‌ی دیگر وجود ندارد. زیرا این معلم در پایه‌ی بعدی نیز معلم آن‌هاست. همچنین، اگر بین دانش‌آموزان مشکل انضباطی وجود داشته باشد، معلم بهتر آن را شناسایی می‌کند و راه‌حل‌های کاربردی‌تری را برای از بین بردن آن در طول شش سال تحصیلی ارائه می‌دهد. البته در برخی از مدارس فنلاند این چرخه‌ی بودن یک گروه از دانش‌آموزان با یک معلم، سه ساله است. اما باز هم نتیجه یکی است. این سیستم نه تنها سودمند است، بلکه به دانش‌آموزان احساس ثبات و پایداری می‌دهد و منجر می‌شود معلم به تک‌تک آن‌ها و نیازهایشان توجه کند. در این شیوه، به معلمان نیز کمک می‌شود تا به برنامه‌ی درسی رویکرد خطی و کلی داشته باشند. معلم دقیقاً می‌داند نیاز آموزشی دانش‌آموزانش چیست و آن‌ها را به مرحله‌ی بعدی هدایت می‌کند. اجباری برای معلم و دانش‌آموزان برای اتمام مباحث کلاس درسی نیست، زیرا معلم می‌تواند مباحث ناتمام برنامه‌ی درسی را در سال‌های بعدی تدریس کند. با این روش، تدریس شناور درس‌ها نیز ممکن می‌شود.

در برخی از مدارس فنلاند چرخه‌ی بودن یک گروه از دانش‌آموزان با یک معلم، سه ساله است. این سیستم نه تنها سودمند است، بلکه به دانش‌آموزان احساس ثبات و پایداری می‌دهد.



برای مثال، اگر بعد از ظهر پنج‌شنبه کلاس ندارند، معلم و دانش‌آموز هر دو مدرسه را ترک و به خانه می‌روند. یا اگر کلاس آن‌ها روز چهارشنبه ساعت یازده شروع می‌شود، نیازی به زودتر آمدن به مدرسه نیست. این امر به معلمان فنلاندی کمک می‌کند تا زمان بیشتری را به برنامه‌ریزی درس برای کلاس خود اختصاص دهند و درس‌هایی برانگیزاننده و جذاب را ایجاد و تدریس کنند.

معلمان کمتر، سازگاری و مراقبت بیشتر

دانش‌آموزان ابتدایی در فنلاند غالباً تمام شش سال دوره‌ی ابتدایی را با یک معلم طی می‌کنند و هر معلم مراقبت و آموزش و پرورش یک گروه ۱۵ تا ۲۰ نفری از دانش‌آموزان را به مدت شش سال بر عهده دارد. البته چون معلمان در تمام درس‌ها تخصص لازم را ندارند، بعضی از درس‌ها در این سال‌ها به معلم دیگری واگذار می‌شود. این امر کمک می‌کند معلم با تفاوت‌های فردی، سبک‌های یادگیری و

زودتر و برخی اوقات دیرتر کار خود را آغاز می‌کند. زمان حضور در مدرسه به‌طور مرتب در حال تغییر است؛ اگرچه دانش‌آموزان معمولاً بین سه تا چهار زمان ۷۵ دقیقه‌ای در مدرسه حضور دارند. زمان تفریح زیادی بین کلاس‌ها وجود دارد که کمک می‌کند معلم و شاگرد خوب استراحت کنند و به سلامت آماده‌ی تدریس و یادگیری باشند.

زمان تدریس کمتر و زمان برنامه‌ریزی بیشتر

در فنلاند معلمان در مقایسه با سایر معلمان در کشورهای دیگر روز آموزشی کوتاه‌تری دارند. براساس مطالعات، معلمان فنلاندی ۶۰۰ ساعت در سال و در روز حداکثر ۴ درس تدریس می‌کنند. این در حالی است که یک معلم آمریکایی تقریباً دو برابر این زمان و به‌طور متوسط ۱۰۸۰ ساعت در سال را وقت صرف تدریس می‌کند. این میزان برابر تدریس شش تا هفت درس در روز است. هر معلم فنلاندی حداکثر ۴ ساعت در هفته باید در عینی که تدریس ندارد در فضای خود مدرسه مطالعه کند.

این بخش یکی از مهم‌ترین علل موفقیت آموزش و پرورش کشور فنلاند است.

اعتماد به معلمان

از آنجا که دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی به مدت سه تا شش سال با یک معلم هستند، چه اتفاقی می‌افتد اگر این معلم نامناسب باشد؟ کارشناسی ارشد آموزش و پرورش ابتدایی یکی از پرتقاضاترین و پرقاب‌ترین درجات تحصیلی دانشگاهی در کشور فنلاند است. اداره‌ی آموزش و پرورش ابتدایی در فنلاند تنها ۹ درصد از متقاضیان را برای این رشته و شغل معلمی می‌پذیرد و هزاران نفر دیگر پذیرفته نمی‌شوند. متقاضیان این رشته نه تنها لازم است با استعدادترین و باهوش‌ترین افراد باشند تا بتوانند معلم ابتدایی شوند، بلکه آن‌ها به گذراندن مصاحبه‌های متعدد و غربالگری شخصیتی برای دستیابی به چنین جایگاهی نیاز دارند. اینکه متقاضی تنها باهوش‌ترین دانش‌آموز کلاس باشد کافی نیست، بلکه او باید توانایی طبیعی و ذاتی تدریس را نیز داشته باشد. معلمان باتجربه‌تر و مسن‌تر نیز امتیاز بیشتری برای پذیرفته شدن دارند. دست‌اندرکاران نظام آموزشی فنلاند بر این باورند که توانایی تدریس از کسب درجات تحصیلات عالی اخذ نمی‌شود. بنابراین، تنها تعداد کمی از دانشگاه‌های فنلاند متقاضیان این رشته را که خود توانایی ذاتی تدریس دارند می‌پذیرند. در فنلاند، برای تدریس در دوره‌ی ابتدایی، علاوه بر نمرات تحصیلی بالا در دوره‌ی دبیرستان و ویژگی ذاتی برای شغل معلمی، همه‌ی معلمان باید درجه‌ی کارشناسی ارشد داشته باشند و پایان‌نامه بنویسند. این امر باعث ایجاد اعتماد زیاد مردم به معلمان در فنلاند شده است. زیرا آن‌ها مطمئن هستند که معلمان فنلاند با صلاحیت‌های بالای حرفه‌ی معلمی آموزش دیده‌اند و افراد باهوش و سرامدی هستند. بنابراین، آن‌ها هیچ‌گاه در قدرت تصمیم‌گیری و اختیار معلم دخالت نمی‌کنند.

کلاس کمتر و رنگ تفریح بیشتر

دانش‌آموزان فنلاندی در روز تنها سه تا چهار کلاس دارند و تعداد رنگ‌های تفریح آنان زیاد است. مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه رنگ تفریح به آن‌ها این امکان را می‌دهد که آنچه را خوانده‌اند درک کنند، از عضله‌هایشان استفاده کنند، پاهایشان را دراز کنند و بکشند، از هوای تازه استفاده کنند و کمی جنبش و جوش داشته باشند. این رنگ‌های تفریح فایده‌های عصب‌شناختی زیادی دارند. مطالعات نشان داده‌اند، دانش‌آموزان نیاز دارند به‌طور فیزیکی نیز در فرایند یادگیری فعال شوند، زیرا رکود و بی‌حرکتی بدن به رکود مغز و توجه نکردن، خصوصاً در دانش‌آموزان بیش‌فعال، منجر می‌شود. رنگ‌های تفریح به معلمان نیز اجازه می‌دهد استراحت کنند. اتاق معلمان در فنلاند مملو از معلمانی است که در حال آماده‌سازی برنامه‌ی کلاسی خود، نوشیدن قهوه، استراحت کردن، برقراری ارتباط و تبادل تجربه با سایر معلمان و آمادگی ذهنی برای کلاس بعدی هستند.

آزمون کمتر، یادگیری بیشتر

تصور کنید چه فعالیت‌های هیجان‌برانگیزی می‌توان با دانش‌آموزان انجام داد، اگر فشار آزمون‌های ملی و بین‌المللی بر سر معلم نباشد! چه لذتی دارد که حقوق معلم به میزان قبولی دانش‌آموزان در آزمون‌ها وابسته نباشد. در فنلاند، برای اتمام برنامه‌ی درسی، فشار بسیار کمی بر معلمان وجود دارد. تنها از آن‌ها این انتظار وجود دارد که کارشان را درست انجام دهند؛ البته به آن‌ها اعتماد دارند. در نتیجه، معلمان کنترل بیشتری بر کلاس درس و تدریس محتوای آموزشی خود دارند. ریسک‌پذیری بالاتری هم دارند، و خود چیزهای جدیدتری تولید می‌کنند. دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری درگیر می‌کنند و به آن‌ها اجازه می‌دهند برای زندگی واقعی افراد با مهارت بالا و آماده‌ای باشند. معلمان مهارت‌هایی را به

دانش‌آموزان آموزش می‌دهند تا از طریق آن‌ها بتوانند یک پروژه‌ای را شروع کنند و کار خود را تا دستیابی به اهداف آموزشی به‌طور نظام‌دار ادامه دهند. معلمان وقت کافی برای آموزش هنر دارند و از این طریق دانش‌آموزان مهارت‌های موردنیاز زندگی واقعی را یاد می‌گیرند؛ مانند خیاطی، آشپزی، تمیز کردن، کار با چوب و غیره. هنگامی که دانش‌آموزان این مهارت‌ها را یاد می‌گیرند، هم‌زمان ریاضی و حل مسئله را نیز می‌آموزند. در مهارت‌ها به آشپزی خیلی اهمیت می‌دهند و این کلاس در تمام مدارس، هم دخترانه و هم پسرانه، وجود دارد و شرکت در آن الزامی است.

عنوان‌های درسی کمتر

یادگیری عمیق‌تر

در فنلاند، معلمان زمان بیشتری را برای یک عنوان درسی صرف می‌کنند. آن‌ها نگران پوشش دادن تمام عنوان‌های درسی در یک سال تحصیلی نیستند. این امر



کارشناسی ارشد آموزش و پرورش ابتدایی یکی از پرتقاضاترین و پرقاب‌ترین درجات تحصیلی دانشگاهی در کشور فنلاند است.

کمک می‌کند دانش‌آموزان هر موضوع درس را قبل از شروع موضوع بعدی به‌طور کامل یاد بگیرند.

تکالیف کمتر، مشارکت بیشتر

بر مبنای مطالعات انجام شده، دانش‌آموزان فنلاندی در جهان کمترین میزان تکلیف را انجام می‌دهند و متوسط آن زیر نیم ساعت در شب است. آن‌ها معلم خصوصی و درس‌های خارج از مدرسه ندارند. این در حالی است که در آزمون‌های بین‌المللی بالاترین عملکرد را از خود نشان می‌دهند. در واقع، آن‌ها تکالیف خود را در کلاس انجام می‌دهند و میزان آن هم برای موفقیت تحصیلی‌شان کافی است. بیشتر از آنچه آن‌ها لازم است درباره‌ی یک مهارت بدانند، به آن‌ها آموزش داده نمی‌شوند. دانش‌آموزان در انجام تکالیف خود در کلاس درس کوشا هستند، حتی اگر تکلیفی پیشنهادی هم باشد، آن‌ها به‌طور کامل برانجام آن تمرکز می‌کنند.

دانش‌آموزان کمتر و توجه فردی بیشتر

به‌طور مسلم، هر چه تعداد دانش‌آموزان کمتر باشد، معلم توجه، علاقه و محبت بیشتری را که آن‌ها برای یادگیری نیاز دارند به آن‌ها می‌دهد. هر معلم فنلاندی در روز سه تا چهار ساعت با ۲۰ دانش‌آموز خواهد داشت. بنابراین، زمان بیشتری را برای هر یک از آن‌ها صرف خواهد کرد.

ساختار کمتر و اعتماد بیشتر

اعتماد مردم به نظام آموزش و پرورش در کشور فنلاند به خاطر ساختار نظام آموزشی نیست. به جای مظنون بودن به دیگری و ایجاد ساختارها، قوانین، آزمون‌ها و کنترل زیاد برای اطمینان از اینکه سیستم به درستی کار می‌کند، آن‌ها به سادگی به نظام آموزشی اعتماد می‌کنند. جامعه مطمئن است که مدرسه معلمان خوب را به کار می‌گمارد. مدرسه اطمینان دارد که معلمان

افرادی آموزش دیده و ماهر هستند و به آن‌ها اجازه می‌دهد محیط یادگیری کلاس خود را، آن‌طور که برای دانش‌آموزانشان مناسب است، ایجاد کنند. والدین اطمینان دارند تصمیماتی که معلمان می‌گیرند در یادگیری و تلاش کردن به فرزندان آن‌ها کمک می‌کند. معلمان به دانش‌آموزان اعتماد دارند که کارشان را انجام می‌دهند و برای فهمیدن یاد می‌گیرند. دانش‌آموزان هم به معلمان اعتماد دارند که ابزارهای موردنیازشان را برای موفقیت در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. در نهایت هم جامعه به نظام آموزشی اعتماد دارد و احترام لازم را به آن می‌گذارد. ■

منبع

Day, Kelly (2015) "11 Ways Finland's Education System Shows Us that "Less is More". Retrieved from <https://fillingmymap.com/2015/04/15/11-ways-finlands-education-system-shows-us-that-less-is-more/>

در فنلاند، معلمان زمان بیشتری را برای یک عنوان درسی صرف می‌کنند. آن‌ها نگران پوشش دادن تمام عنوان‌های درسی در یک سال تحصیلی نیستند. این امر کمک می‌کند دانش‌آموزان هر موضوع درس را قبل از شروع موضوع بعدی به‌طور کامل یاد بگیرند.





فرهنگ آموزش و پژوهش تفاوت‌ها اقدام پژوهی و درس پژوهی

فرهنگ آموزش و پژوهش بیش از پیش مورد توجه صاحب‌نظران، پژوهشگران آموزشی و اندیشمندان عرصه‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی است. ادعا می‌شود، هرگونه تغییر و تحولی در فرهنگ مدرسه و کلاس باید به معلم و «معلمی» متوجه و متمرکز باشد. کیفیت نظام آموزشی به کیفیت معلم و معلمی بستگی دارد و اگر به تغییر و تحول فرهنگ معلمی می‌اندیشیم، باید تدریس و «معلمی» معلم را اصلاح و بهبود ببخشیم. این نکته منوط به آموزش‌گری و پژوهش‌گری خوب معلم است. معلمی که خوب تحقیق کند، خوب یاد می‌گیرد و خوب یاد می‌دهد. «معلم یادگیرنده» دانش آموز یادگیرنده تربیت می‌کند و «معلم پژوهنده» دانش آموز پژوهنده پرورش می‌دهد.

آموزشی (پرورشی) هستند و به‌ویژه با فرایند آموزش و یادگیری سروکار دارند، می‌توانند برای شناخت مسائل (مشکلات) مبتلا به آموزشی (پرورشی) و پی بردن به راه‌های کاهش این مسائل (مشکلات) اقدام‌پژوهی را به‌طور انفرادی و گروهی به‌کار برند. برخی‌ها از اقدام‌پژوهی به‌عنوان «پژوهش مشارکتی معلمان» نام برده‌اند و آن را «معلم پژوهنده» نامیده‌اند. در این خصوص می‌توان گفت، اگر به اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی از این منظر نگاه کنیم، درس‌پژوهی هم مشارکت فعال معلمان را می‌طلبد و شباهت این دو از این جنبه بسیار زیاد است. سرکار آرائی (۱۳۷۸) اولین بار عنوان مطالعه‌ی درس (درس‌پژوهی) به «پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس» را به‌عنوان یک ایده برای بهسازی آموزش و غنی‌سازی یادگیری معرفی کرده است و درباره‌ی چیستی درس‌پژوهی این‌گونه آورده است: درس‌پژوهی (مطالعه‌ی درس) الگوی عملی بازبینی مداوم الگوهای ذهنی و بازاندیشی مشارکتی عمل کارگزاران آموزشی و الگویی مؤثر برای بهبود مستمر آموزش در مدرسه است (سرکار آرائی، ۱۳۹۳: ۳۳). این الگو به‌مثابه روش نوین پژوهش در عمل (اقدام‌پژوهی) و هسته‌های کوچک تحول در آموزش، در گسترش پژوهش و تولید دانش حرفه‌ای در مدرسه (و کلاس) به معلمان کمک می‌کند. به‌علاوه، بر فرایند یادگیری گروهی

اقدام‌پژوهی بهبود و بهسازی فرایند آموزش و یادگیری است. اقدام‌پژوهی (پژوهش در عمل) هدفش توصیف شرایط یا پدیده‌های مربوط به نظام آموزشی است. با استفاده از اقدام‌پژوهی می‌توان موقعیت‌های نامعین ملموس مربوط به اقدام‌ها و عملیات آموزشی را مشخص کرد و در بهبود آن‌ها کوشید (بازرگان، ۱۳۹۵: ۸۴). در واقع، بهبود و بهسازی فرایند آموزش و یادگیری یکی از اهداف اقدام‌پژوهی است، ولی درس‌پژوهی به «درس» (lesson) و بازاندیشی عمل در کف کلاس درس توجه و تأکید دارد. به نظر می‌رسد، هر کسی که در نظام آموزشی دست‌اندرکار است، می‌تواند «اقدام‌پژوه» باشد، ولی درس‌پژوهی فقط توسط معلم شدنی است. برای مثال، مدیر، معاون، مربی پرورشی، مدیران حوزه‌ی ستادی، مدیران میانی، مدیران اجرایی و سرایدار (خدمتگزار) می‌توانند به شناسایی و حل مسائل (مشکلات) مبتلا به خود بپردازند، ولی درس‌پژوهی را فقط معلم می‌تواند انجام بدهد. بنابراین، هر یک از افرادی که در نظام آموزشی دست‌اندرکار فعالیت‌های

روش‌های آموزش و پژوهش هم از آسمان (برج عاج) نظر و نظریه (تئوری) به میدان عمل (زمین) و اقدام نزول کرده‌اند و هرگونه نظریه وقتی ارزشمند است که در میدان عمل و اقدام به‌کار آید و به تعبیر نگارنده، در «کف کلاس درس» یاری‌گر معلم در معلمی و تدریس باشد. اقدام‌پژوهی و تدریس‌پژوهی (تدریس‌کاوی) دو روش و ایده‌اند که می‌توانند در کلاس و مدرسه، در فرایند بهبود و بهسازی آموزش و یادگیری به معلم کمک کنند. در این نوشتار نیم‌نگاهی به اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی خواهیم کرد و سپس به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازیم.

نیم‌نگاهی به اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی

اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی می‌تواند در شناسایی و بهبودی مسائل (مشکلات) آموزشی مدرسه و کلاس درس به کلیه‌ی کارگزاران آموزشی کمک کند. اگرچه هر دو با اهداف و شرایط متفاوتی پژوهش معلم و معلمی را رقم می‌زنند، ولی هدف



۷. خیلی جزئی و محدود است.
۸. گروهی (تیمی) است.
۹. طرح درس و راهنمایی عمل خاصی است.
۱۰. بر غنی‌سازی فرایند آموزش و یادگیری تأکید می‌کند.
۱۱. به برنامه‌ی درسی توجه می‌کند.
۱۲. مبتنی بر برنامه‌ی درسی است.
۱۳. هدف اساسی آن یادگیری معلم است.

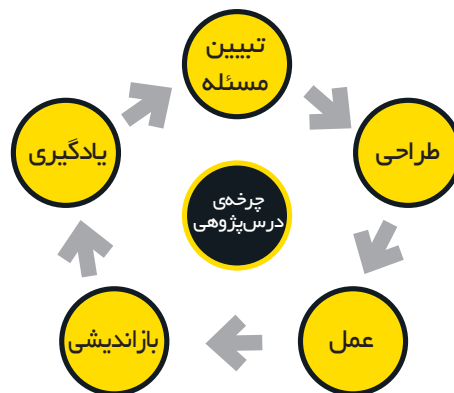
اقدام پژوهی

۱. عزیمت تئوری و عمل است.
۲. هدف از آن انجام پژوهش در حین عمل است.
۳. ماهیت آن تفسیر داده‌هاست.
۴. به بهسازی فرایند آموزش و نتیجه‌ی بهتر می‌انجامد.
۵. در همه‌جا و هر سازمانی قابل اجراست.
۶. بیشتر سیستماتیک است.
۷. گسترده است.
۸. فردی هم اجرا می‌شود.
۹. راهنمای عمل خاصی ندارد.
۱۰. در آن شناخت مسئله و بهسازی عمل در مدرسه و سازمان‌ها مورد توجه است.
۱۱. در آن شناخت مسئله و کاربرد یافته در محل کار مورد توجه است.
۱۲. به برنامه‌ی درسی کاری ندارد.
۱۳. هدف عمده‌ی آن شناسایی و حل کاربرد آن در عمل است.

نتیج‌گیری

درس پژوهی و اقدام پژوهی دو ایده و روش برای بهسازی و بهبود آموزش و یادگیری در مدرسه و کلاس درس هستند که اگرچه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند، ولی هر دو باری‌گر معلم در معلمی و رویکردی برای تغییر و تحول در مدرسه و کلاس درس محسوب می‌شوند. ■

اصل و منابع این مقاله را می‌توانید در سایت eb.roshdmag.ir پیدا کنید.



الگوی تدریس پژوهی (درس پژوهی) برگرفته از سرکار آرائی، ۱۳۹۴

و بهسازی مستمر (تدوین برنامه، اجرا، بازبینی، یادگیری و ترویج یافته‌ها) مبتنی است و فرصتی برای سهیم شدن کارگزاران آموزشی (به‌ویژه معلمان) در تجربه‌های یکدیگر فراهم می‌آورد.

شباهت‌های درس پژوهی و اقدام پژوهی

۱. کمک به توسعه و پرورش حرفه‌ای
۲. مشارکتی بودن
۳. گروهی (تیمی) بودن (تأکید بر کار جمعی)
۴. چرخه‌ای (گردشی) بودن
۵. شروع با معلم
۶. پژوهشی بودن که با سؤال و مسئله شروع می‌شوند.
۷. کمک کردن به ترویج و گسترش علم
۸. کنار هم نگه داشتن معلم تازه‌کار و

تفاوت‌های درس پژوهی و اقدام پژوهی

اقدام پژوهی

درس پژوهی

۱. نقطه‌ی عزیمت عمل است.
۲. هدف آن پرورش حرفه‌ای معلم است.
۳. ماهیت آن بازاندیشی (تفکر) است.
۴. به بهسازی کلاس درس می‌انديشد.
۵. فقط در کلاس و مدرسه قابل اجراست.
۶. بیشتر ارگانیک و کمتر سیستماتیک است.

سید عیسی میرشفیعی فوق لیسانس مدیریت دارد و از خرداد ۱۳۹۳ معاون آموزش ابتدایی استان مازندران بوده است. وقتی به این سمت منصوب شد، احساس کرد گلوگاهی بین خانواده و مدرسه وجود دارد که مانع پیشرفت بسیاری از برنامه‌های آموزش و پرورش می‌شود. پس اندیشید و برنامه‌ای را طراحی کرد که امروز نتایج بسیار خوبی به بار آورده است. با ایشان گفت‌وگویی درباره‌ی طرحشان و نتایج آن انجام داده‌ایم که در اینجا می‌خوانید.

● جناب آقای میرشفیعی شنیده‌ایم طرحی نو در انداخته‌اید که مورد استقبال والدین قرار گرفته است. لطفاً درباره‌ی طرحتان کمی برای خوانندگان مجله صحبت کنید.

وقتی به این سمت منصوب شدم، در پی شناسایی موانع پیشرفت اهداف سیستمی بودم که در آن کار می‌کنم. به تدریج متوجه شدم خلأ عمیقی که نمی‌گذارد اهداف به بار بنشینند، خلأ میان خانواده و مدرسه است.

● این خلأ را چگونه پر کردید؟
به طرح‌های زیادی فکر کردیم؛ حتی طرح‌هایی که در گذشته اجرا شده بودند. عاقبت راه خودمان را پیدا کردیم. به این نتیجه رسیدیم که باید همگام با آموزش دانش‌آموزان، به آموزش والدین هم بپردازیم. اسم طرح را هم گذاشتیم: «کارگاه آموزش والدین دانش‌آموزان پایه‌ی اول در بدو ورود»

● لطفاً بیشتر توضیح بدهید.
تعلیم و تربیت مثلثی است که دانش‌آموز در وسط و محور آن قرار دارد و ضلع‌های آن را مدرسه، خانواده و جامعه تشکیل می‌دهند. هر سه ضلع روی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارند. شاید ما برای رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی روی جامعه کمتر بتوانیم تأثیر بگذاریم و اما در ضلع خانواده

گفت‌وگویی کوتاه با مجری کارگاه آموزش والدین دانش‌آموزان پایه‌ی اول در بدو ورود

تفاهم‌نامه‌ی نانوشته با والدین





امکانات بیشتری داریم. پس طرحمان را متمرکز کردیم روی ضلع خانواده. بین خانواده و دانش‌آموز نوعی اختلاف زمان آموزشی وجود دارد. یعنی والدین ما بیست یا سی سال قبل از فرزند خود آموزش دیده‌اند و نمی‌توانند همان نوع آموزش زمان خود را درباره‌ی دانش‌آموز خود به‌کار ببرند. چه بسا خانواده برای کمک به دانش‌آموز و تسهیل در کار معلم به دانش‌آموز آموزش‌هایی می‌دهد که با آموخته‌های او در کلاس مغایرت دارد و این برای دانش‌آموز سردرگمی به همراه خواهد داشت. فکر کردیم پس چه باید کرد؟ به آموزش والدین در بدو ورود فرزندشان به مدرسه فکر کردیم که نه تنها از نظر ما که از نظر خودشان هم واجب است.

البته از طرف دیگر، اینکه ما خانواده‌هایی را داریم که مدارک تحصیلی‌شان بالاتر از معلمان ماست. پس چطور این والدین باید معلم ما را بپذیرند؟

این طرح در واقع به هم‌سو کردن والدین و معلمان برای تعلیم و تربیت فرزندان می‌پردازد. پس هیچ‌کس برتر از دیگری نیست. مهم‌ترین هدف از اجرای این طرح هم‌سو کردن خانواده با مدرسه است.

خانواده‌ها در این طرح متوجه خواهند شد که معلمان ما همه‌ی دانش‌ها را ندارند، ولی روش تدریس و تخصص دارند و می‌دانند هر کتاب را با رویکرد مربوط چگونه باید آموزش بدهند و همین موجب تفاوت بین خانواده‌ها و معلمان است.

پس این آموزش‌ها هم به نفع خانواده است، چون می‌فهمد دانش‌آموزش در مدرسه چه می‌آموزد و چگونه می‌آموزد و هم به نفع معلم است، چون می‌داند خانواده از روند کاری او آگاهی دارد و او را به‌عنوان فردی متخصص می‌پذیرد. هدف اصلی ما این بود. اما نکته‌ی دیگر اینکه سرعت رشد

بحث‌های عمومی مثل روان‌شناسی رشد و ویژگی‌های کودک، و بحث‌های تخصصی که رویکردهای نظام تعلیم و تربیت، آموزش ابتدایی و کتاب درسی و روش‌های سنجش و ارزیابی دانش‌آموز را بررسی می‌کنند. کلاس‌های والدین یک روزه و چهار ساعته بودند؛ دو ساعت آموزش‌های عمومی و دو ساعت آموزش‌های تخصصی، بعد والدین گواهی پایان دوره می‌گرفتند و با این گواهی برای ثبت‌نام به مدارس رجوع می‌کردند. در سال دوم اجرای طرح کتاب‌هایی هم آماده کردیم و در همان دو بخش عمومی و اختصاصی مطالب را طبقه‌بندی کردیم. در یک دوره معلمان پایه‌ی اول را نیز آموزش دادیم تا بدانند والدین در کلاس‌ها چه اطلاعاتی کسب می‌کنند

علم روز به روز بیشتر می‌شود. امروزه والدین ما متوجه شده‌اند داده‌های ذهنی بچه‌ها بیشتر از آن‌هاست و این باعث شده گاهی دچار استرس شوند که چطور باید با فرزندشان برخورد کنند.

این کلاس‌ها به والدین کمک می‌کند روحیات فرزندانشان را در این سن بیشتر بشناسند و راهکارهای درست برخورد با آن‌ها را بیاموزند.

نکته‌ی مهمی که هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم این است که حق تربیت با والدین است. یعنی والدین هستند که تعیین می‌کنند فرزندشان چطور تربیت بشود و این خانواده است که باید در مقابل کار مثبت یا منفی دانش‌آموز جوابگو باشد.

پس باید به خانواده هم بپردازیم. ممکن است خانواده‌ای مسیر اشتباهی را طی کند و من به‌عنوان مجری در نظام آموزش و پرورش باید جایی را برای آموزش والدین باز کنم. زمانی که خانواده با من هماهنگ و هم‌گام باشد، فعالیت‌های من در مدرسه ثمر می‌دهد.

● **این طرح چگونه انجام می‌شود؟** ما ابتدا به تربیت مدرس پرداختیم. مدرسان ما در دو زمینه کار می‌کنند.

این کلاس‌ها به والدین کمک می‌کند روحیات فرزندانشان را در این سن بیشتر بشناسند و راهکارهای درست برخورد با آن‌ها را بیاموزند.



هزینه هم پرداخت کنند. و این یعنی یک موفقیت بزرگ در شروع.

ما در طول سال با معلمان هم گفت‌وگو کردیم و دیدیم همه راضی هستند. آن‌ها می‌گفتند خانواده‌ها با آن‌ها همراهی بیشتر و مؤثرتری دارند.

● ما در مدارس انجمن‌های اولیا و مربیان داریم. آیا این فعالیت با فعالیت‌های انجمن هم‌راستاست؟ این انجمن‌ها در طول سال فعالیت می‌کنند و هیچ‌گاه از قبل به والدین آموزش نمی‌دهند. ولی فعالیت‌هایشان از منظر آموزش به والدین تا حدودی در یک راستاست.

● آیا طرح‌تان اشکالاتی هم داشته است؟

خود طرح اشکالی نداشت، ولی گرمای هوا و رطوبت بالا در شمال و نبود وسایل سرمایشی، قطعاً کار را سخت می‌کرد. گرچه اعتراضی راجع به این موضوع نداشتیم.

● برای رشد بیشتر طرح‌تان چه برنامه‌هایی را در نظر دارید؟

قصد داریم انجمن اولیا و مربیان را در طول سال تحصیلی در زمینه‌ی آموزش سرفصل‌های کتاب‌های درسی فعال‌تر کنیم. برنامه‌ی تکمیلی بعدی ما توجه بیشتر به دنیای مجازی و ایجاد سامانه‌ای اطلاعاتی و قوی برای والدین و معلمان است. البته این سامانه با نام «روجین» راه‌اندازی شده و قابل نصب روی گوشی‌های همراه نیز هست و به زودی در اختیار اولیا و معلمان قرار خواهد گرفت. این‌ها همه در راستای آموزش والدین هستند. کتاب‌هایی را هم برای آموزش والدین در شش پایه در دست چاپ داریم که در سال تحصیلی جدید در اختیارشان قرار خواهیم داد. ■



سال اول اجرای طرح استرس داشتیم. چندین بار به کلاس‌های مدرسان رفتم و بدون معرفی خودم در پایان کلاس با والدین گفت‌وگو کردم. جالب اینجاست که در تمام بررسی‌های من و همکارانم اکثر خانواده‌ها راضی بودند. چند نفری هم که معترض بودند، در مورد مسائل متفرقه‌ی آموزش و پرورش نقد داشتند. خانواده‌های آموزش‌دیده خواستار این بودند که دوره‌ها در مدت زمانی طولانی‌تر و در طول سال تحصیلی هم ادامه داشته باشند. حتی می‌خواستند این دوره‌ها برای همسرانشان هم برگزار شود. طرح به‌صورت رایگان برگزار شد، ولی جالب این بود که بیشتر والدین راضی بودند

تا بتوانند از فرصت‌های به‌وجود آمده در کنار این آموزش برای کلاس درسشان استفاده کنند.

● آیا حین اجرا یا پایان طرح ارزیابی نیز انجام شده است؟ اگر انجام شده به چه نحو بوده و چه نتایجی را به‌دنبال داشته است؟

من اعتقاد دارم تغییر را باید همراهی کرد. این نوع آموزش بدو ورود به مدرسه هم نوعی تغییر است که باید همراهی شود. به همین علت، ما مدام طرح را پایش می‌کردیم. هم افرادی را می‌فرستادیم تا بازخوردهای اولیا را در کلاس عینی بررسی کنند و هم با والدین تماس می‌گرفتیم و بازخوردها را جمع‌آوری می‌کردیم. من خودم در

به شهر بازی کسرها خوش آمدید

روشی برای آموزش کسرهای مساوی



قسمت دیگر هم عوض می‌شد.

در این شهر صندوقی بود که موجودات عجیب شهر داخل آن می‌رفتند و وقتی بیرون می‌آمدند، لباس‌های جدید بر تنشان بود. مثلاً موجود یک‌دوم (که لباس به تن داشت، بالایش عدد ۱ بود و پایش عدد ۲) رفت داخل صندوق و با لباسی بیرون آمد که بالایش عدد ۲ بود و پایش عدد ۴. درواقع، او به کسر دیگری تبدیل نشد، بلکه لباس جدیدی پوشید. گاهی هم همان موجود که لباس ۵/۱۰ به تن داشت (یعنی بالایش عدد ۵ و پایش عدد ۱۰) می‌رفت توی صندوق و با لباس ۱/۲ بیرون می‌آمد.

بچه‌ها به نوبت توی صندوق می‌رفتند و لباس‌های جدید به تن می‌کردند و در شهر می‌چرخیدند. به این ترتیب، ساختن کسرهای مساوی با ضرب کردن صورت و مخرج در عدد ثابت یا تقسیم صورت و مخرج بر عددی ثابت را تمرین و درک کردند که مفهوم کسرهای مساوی چیست.

با توجه به اینکه دانش‌آموزان در فهم و درک کسرهای مساوی با مشکل مواجه بودند، تصمیم گرفتم در این راستا فعالیتی انجام دهم که هم برای دانش‌آموزان جالب باشد، هم اینکه مشکل آن‌ها در این زمینه رفع شود. لذا با جست‌وجو در کتابخانه‌ی مدرسه و مطالعه‌ی کتاب‌های مرتبط با موضوع، با کتابی مواجه شدم که مفاهیم ریاضی را به صورت بازی نمایش می‌داد. من هم تصمیم گرفتم آن را به صورت درس پژوهی اجرا کنم. با همکاری چند نفر از معلمان، ضمن اجرا، رتبه‌ی برتر شهرستان را کسب کردیم. این بازی باعث شد دانش‌آموزان مهارت بیشتری در کسرها پیدا کنند.

این فعالیت به صورت نمایش در کلاس بازی شد. ایده‌ی اصلی نمایش این بود که در شهر عجیبی موجودات لباس‌های عجیبی داشتند. این لباس دو قسمت کاملاً به هم چسبیده داشت و اگر می‌خواستند یک قسمت از آن دو قسمت را عوض کنند، باید

تجربه

آسیب بینایی

یکی از دانش آموزان کلاس دچار انحراف چشم (لوچی) بود. اغلب اوقات در حین انجام کارها چشمان خود را می مالید. برای دیدن سر خود را کج می کرد و یا بیش از حد جلو می آورد و یا هنگام خواندن چشم های خود را جمع می کرد یا پلک های خود را به هم می زد یا اخم می کرد و حرکات غیرعادی در چهره اش مشاهده می شد. در حین انجام کارهایی مثل خواندن، کتاب را به چشم هایش خیلی نزدیک می کرد، ولی در انجام تکالیف شفاهی و دستورات شفاهی به خوبی عمل می کرد. متوجه شدم علاوه بر لوچی، کم بینا هم هست.

فعالیت هایی که انجام دادم

- کودک را در محلی نشاندم که تخته ی کلاس را بهتر می دید. زیرا می دانستم تخته سیاه نباید نور را منعکس کند. باید نوشته های گچی روی تخته کاملاً واضح باشند.
- چشمان کودک نسبت به نور حساس بود، پس او را از کنار پنجره دور کردم.
- از یکی از دوستانش خواستم در مسیر رفت و آمد مرتب حواسش به او باشد و دست او را بگیرد.
- مطالب را با خطوط درست روی تخته نوشتم و از گچ های رنگی استفاده کردم.
- آنچه را روی تخته می نوشتم، با صدای بلند می خواندم.
- برای تدریس از وسایل نوشتاری با چاپ درشت استفاده کردم.
- او را تشویق می کردم هنگام خواندن از نشانگر استفاده کند.
- هنگام تدریس تا حد ممکن از وسایلی استفاده می کردم که کودک بتواند آن ها را لمس کند.
- از تشویق های کلامی یا لمس کردن برای ایجاد انگیزه استفاده کردم.
- در حین بحث های کلاسی مرتب نام او را می بردم.
- برای درس حساب چرتکه ای در اختیار او قرار دادم.
- با استفاده از بازی های گروهی و فعالیت های جسمانی، تمریناتی فراهم آوردم تا بتواند بدن خود را جهت یابی کند.
- با همکاری معلم بهداشت و گفت و گو با خانواده ی دانش آموز، او را به یک چشم پزشکی معرفی کردیم.

بتول صافی نجف آبادی

دبستان شاهد علی اکبر (ع)، آموزگار پایه ی اول، اصفهان/ نجف آباد

علل آسیب دیدگی بینایی

- ابتلای مادر به بیماری های عفونی در حین ماه های اول دوران بارداری
- ابتلای کودک به بیماری های عفونی از قبیل سرخک یا آبله مرغان
- سوء تغذیه در دوران کودکی یا دوران بارداری مادر
- عفونت های چشمی
- آسیب های چشمی
- وجود غددی که به عصب بینایی آسیب می رسانند
- آسیب مغزی

تجربه

دانش‌آموز ناسازگار

ظهر یک روز پاییزی، پس از تمام شدن کلاس و رفتن بچه‌ها، به اتاقی که در مدرسه داشتم، رفتم. متوجه شدم پنجره باز است و اثری از بعضی وسایل میز مثل ماشین حساب، منگنه و پایه‌چسب نیست. به فکر فرو رفتم که چه کسی ممکن است آن‌ها را برداشته باشد؟ می‌ترسیدم اگر به اشتباه به کسی شک کنم، حقی را ضایع کرده باشم. بنابراین، تصمیم گرفتم دقیق‌تر جست‌وجو کنم. از روز بعد تمام رفتارهای دانش‌آموزان را تحت‌نظر قرار دادم. بعد از مدتی متوجه شدم کار کیست؛ یکی از دانش‌آموزانم که مدتی بود برای مدرسه دردرس‌ساز شده بود و من در فکر بودم چگونه مشکل او را حل کنم. از او دعوت کردم بعد از کلاس، برای تمرین بیشتر درس ریاضی و رفع اشکال، به اتاقم بیاید. بعد از تمرین ریاضی، برای شروع صحبت زمینه‌سازی کردم. متوجه شدم پدرش در زندان است و مادرش فوت کرده است و خود از کمبود محبت رنج می‌برد. در طول این مدت اعتماد به نفسش ضعیف شده بود. بنابراین، تصمیم گرفتم با دادن مسئولیت، شخصیت و اعتمادبه‌نفس از دست رفته‌اش را احیا کنم. پس او از چند روزی نماینده‌ی کلاس کردم. بعد از گذشت هفته‌ها او به شاگردی نمونه و ممتاز تبدیل شد. امروز خوش‌حالم که توانستم با روشی اصولی ناسازگاری‌های رفتاری دانش‌آموزی را که نشان از وجود مشکلات روحی و روانی در محیط زندگی‌اش بود، برطرف کنم. اکنون به این نکته‌ی مهم پی برده‌ام که در مورد رفتارهای نادرست کودکان مانند کج‌دستی، نباید عجولانه قضاوت کرد. لازم است ابتدا مشکل را ریشه‌یابی کنیم، زیرا ممکن است این ناهنجاری ریشه در مشکلات خانوادگی و روحی و روانی کودک داشته باشد که اگر در این مرحله مهار نشود، از به بار آمدن فاجعه در بزرگسالی جلوگیری می‌کند.

مهدی روشندل

دانشجوی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد واحد مریوان
بازنویسی: یاسمن رضاییان

خاطره

دستان کوچک

بیست و سه سال است مشغول تدریس در پایه‌های اول و دوم هستم و هنوز هم به این پایه علاقه‌مندم.

در یکی از سال‌های تدریسم در پایه‌ی دوم دانش‌آموزی داشتم که دست مصنوعی داشت. یعنی به‌طور مادرزادی یکی از دست‌های او رشد نکرده بود و حال از آرنج به پایین پروتز داشت. او معمولاً دستش را از دید دوستانش پنهان می‌کرد. با دوستانش بازی نمی‌کرد و کار هنری انجام نمی‌داد. من از دانش‌آموزانم خواسته بودم او را در کارهای گروهی شرکت دهند تا احساس ضعف و ناتوانی نکند. خود هم سعی می‌کردم از او به‌عنوان دستیار معلم در کلاس کمک بگیرم تا خود را بیشتر باور کند و اعتمادبه‌نفسش بیشتر شود. سعی می‌کردم با انجام کارهایی که برای او سخت بود، تشویقش کنم به توانایی خود پی ببرد. کم‌کم این کارها و مسئولیت‌ها باعث شد اعتمادبه‌نفس او بیشتر شود و خودش را باور کند. همیشه می‌گفت خانم معلم دوست دارم زودتر بزرگ شوم، چون پدرم قول داده است برایم پیوند دست انجام دهد. دکترها گفته بودند این عمل باید در سن بالا انجام بگیرد. او به من قول داد با دست‌های خود برایم چیزی درست کند. سال بعد که کلاس سوم بود، روز معلم برایم هدیه‌ای آورد که از تعجب مات و مبهوت شدم. روسری زیبایی را با همان دستان کوچک خود برایم پولک‌دوزی کرده بود. از شوق اشک در چشمانم جمع شد. این بهترین هدیه‌ای بود که گرفته بودم. حالا او کلاس ششم ابتدایی است. بسیار فعال و زرنک و سخت‌کوش است و در بیشتر کارهای هنری مدرسه مشارکت دارد. من از پیشرفت او در درس‌هایش خیلی خوشحال می‌شوم.

فریبا اسدی

معلم دبستان شاهد شهرستان مریوان

لولوگ بشت پرده



اولین باری که شنیدم حافظه‌ی ماهی‌های قرمز فقط حدود چهار ثانیه است، ناخودآگاه به این جانور با دیده‌ی تحقیر نگاه کردم، اما بعداً متوجه شدم که اگر نسبت متوسط طول عمر را در نظر بگیریم، ما آدم‌ها دست کمی از ماهی‌های قرمز نداریم. چون خیلی چیزها را زود فراموش می‌کنیم. به‌طور مثال، در مواجهه با کودکان چیز دندان‌گیر و کار راه‌اندازی از کودکی خود به همراه نداریم و اغلب متر و معیارهای دنیای بزرگسالی خودمان را بر آن‌ها تحمیل می‌کنیم. در حالی که به قول مولانا: چون که با کودک سر و کارت فتاد/ پس زبان کودکی باید گشاد آنچه در ادامه می‌خوانید، نمونه موفقی است از همزبانی با کودکان برای غلبه بر مشکلاتی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در صورت مزمن شدن می‌تواند تبعات فاجعه‌باری داشته باشد.

حبیب یوسفزاده

درون مایه داستان: با قصه می‌توان برخی ترس‌ها را در انسان درمان کرد. (قصه درمانی).

صدای جیغ بلندی شنیده شد. امید در اتاقش را کوبید و با شتاب دوید توی پذیرایی. مادرش سراسیمه از آشپزخانه دوید بیرون. امید تمام بدنش می‌لرزید و نمی‌توانست حرفی بزند. مادر با صدای بلندی گفت: «چی شده!»

لیموشیرین از دست مهمان، محکم افتاد روی کارد تو بشقاب. خواهر امید نگاهی به مهمان‌شان یلدا انداخت و گفت: «بازم شروع شد. دیونه شده.»

محبوبه با رنگی پریده، امید را بغل کرد. لبخندی زد و در آخر با بشقابی پر از خوراکی، او را روانه اتاقش کرد. در اتاق باز بود... محبوبه پرده‌های پذیرایی را کنار کشید و درخششی از آفتاب خانه را فراگرفت. عطر چای دارچین، فضا را پر کرده بود. وقتی نشست، حرکت مدام پای راستش از روبه‌رو، نظر یلدا را جلب کرده بود. سکوت را شکست و گفت: «بچه‌ست دیگه! بزرگ میشه یادش می‌ره.» محبوبه تبسم تلخی کرد و گفت: «ببخشید. شانس تو شد.»

نه بابا! بعد از اون همه سال، معلومه که اتفاق‌های زیادی افتاده. نمی‌دونستم یه پسر داری!

شقایق که دل پری داشت، قندان را روی میز گذاشت و ادامه داد: «به خاطر این پسر، مجبوریم تا صبح با چراغ روشن تو اتاقمون بخوابیم که نکنه آقا...»

- چرا؟

محبوبه دوستش، در مبل چرمی فرو رفت و نگاهی به دور کرد. مدرسه که رفت، شروع شد. حالا بعد از چهار سال همون آش و همون کاسه‌ست. ما هم خسته شدیم. پیش هر روانشناس و روانپزشکی هم که رفتیم، فایده‌ای نداشته. باور نمی‌کنم که امید مشکل داشته باشه، از وقتی اومدم سرش تو درس و مشقشه.

شقایق چای تعارف کرد و گفت: «آره، چند بار همه چیز رو می‌نویسه و می‌خونه.»

محبوبه ادامه داد: «همه چیز خوبه امّا...»

امّا چی؟

فقط به دکترش گفته، تو اتاقش یه خبرایی هست.

- نمی‌فهمم! چه خبری؟

چه می‌دونم والا! یک شب خواب بودم، دیدم سایه امید بالای سرمه! از ترس و نگرانی نمی‌دونستم چیکار کنم. گفت: «مامان اینجاست. می‌خواد منو ببره!» دستای مشت شده‌اش رو گرفتم. دندوناش رو محکم به هم فشار می‌داد. خواست کنار من بخوابه، خیلی شب‌ها اینکار رو می‌کنه.

راستی بهت گفتم؟ «چند روز پیش... تو پذیرایی نشسته بودم. کارش داشتم، هر چی صدایش زدم جواب نداد. سریع رفتم تو اتاق. همین که در رو باز کردم دیدم یه ملحفه سفید لوله شده که معلوم بود توش یه آدمه، بدون هیچ حرکتی صاف دراز کشیده بود روی تخت. فقط می‌دونم چسبیدم به دیوار و فریاد بلندی کشیدم. جنازه چرخید و افتاد روی زمین. بعدش صدایی اومد...

- شقایق نترس. منم!

گفتم: تو دیونه‌ای!

- می‌خوام بینم مردن چه شکلیه؟

چشم یلدا به دنبال شقایق رفت تا اتاقش، داستان امید برایش جالب شده بود. صدای امید را شنید که به شقایق می‌گفت: «این از اون فیلم‌هاست.» همین رو بهونه کرد و رفت به سمت اتاقشون.

یلدا گفت: «از کدوم فیلم‌ها؟»

- هیجان‌انگیز و ترسناک.

- منم فیلم دوست دارم به شرطی که ترسناک نباشه.

بعد به شقایق نگاه کرد و گفت: «چه اشکالی داره آدم تا صبح با چراغ روشن بخوابه؟»

- اگه به جای من بودی، این حرف و نمی‌زدی.

در اتاق محکم به هم کوبیده شد. یلدا با دیدن عکس‌های اتاق، به امید گفت: «این عکس‌های روی دیوار چیه؟ منم باشم تا صبح نمی‌خوابم.»

- از دوستانم گرفتم. خواهرم دوست نداره.

- بنده خدا حق داره.

عروسک‌های آویزان با آن شکل‌های هندسی، بیشتر از هر چیزی ترسناک بودند. اما سمت پنجره چیزی آویزان نبود. یلدا رو به امید گفت: «اتاق همین یه پنجره رو داره؟»

- آره. همینم نباشه بهتره.

- چرا؟ همه آرزوشونه اتاقشون یه پنجره بزرگ داشته باشه.

- آخه... آخه پنجره اتاق من با همه پنجره‌ها فرق داره.

یلدا آرام و زیر لب گفت: «فرق داره!» و در حال کنار زدن پرده بود، که ناگهان صدای بلندی گفت: «نه، نه!»

یلدا با تعجب برگشت و با دیدن چهره امید، حدس زد که قضیه از چه قرار است. یاد راز خودش افتاد.

- نکنه پنجره تو هم مثل پنجره منه!

- مگه پنجره تو چه جوهره؟

آخه... ببین... باشه. این یه راز میشه بین من و تو.

چشم‌های امید گرد شده بود. بدون پلک زدن، به حرف‌های یلدا گوش می‌داد.

چراغ‌ها که خاموش می‌شد، می‌اومد. خونه‌اش پشت پرده‌ی یکی از پنجره‌های خونه ما بود. یه پرده هم وسطمون! شب که از راه می‌رسید، چیزی رو قلبم سنگینی می‌کرد. ساعت‌ها بدون هیچ حرکتی، نگام می‌کرد. احساس می‌کردم از پشت پرده، صدای نفس‌های طولانی و خف‌اش می‌یاد. هنوزم تو گوشمه. انگار سر گنده‌اش رو به طرفم می‌چرخوند. از دیدن قیافه وحشتناکش، زیر پتو قایم می‌شدم. از اون زیر پتو نگاه می‌کردم و هر لحظه منتظر حمله‌اش بودم. به کسی هم



نمی‌تونستم بگم، آخه کسی باورش نمی‌شد.

امید دستش را به سرش کشید و بعد از چند قدم، نشست روی

تخت؛ پرسید: «حمله کی؟»

- مرد دایره‌ای.

- دایره ای!، دایره‌ای...؟ نزدیک تخت بود؟

- آره متأسفانه.

- وای! نمی‌ترسیدی؟

چاره‌ای نداشتیم. می‌گفتن خواب دیدی، کسی اونجا نیست.

امید آب دهانش را قورت داد و تکیه داد به دیوار پشت تخت.

عینکش را از روی بینی‌اش بالا برد، پرسید: «می‌شه بگی چیکار می‌کرد؟»

حس می‌کردم منتظر یه فرصته که همه چیز رو تموم کنه.

گاهی که پرده جلوی صورتش رو تگون می‌دادم، سرش می‌چرخید و من همه‌ی تنم خیس عرق می‌شد. حی الان هم

وقتی میبینمش که آروم می‌چرخه... بگذریم.

- چی! می‌چرخید؟

یلدا از امید خواهش کرد یه لیوان آب برای او بیاورد. محبوبه

داخل پذیرایی خیره به تلویزیون نشسته بود. همین که پسرش

را دید با خوشحالی گفت: «چه خبر؟ با خاله حرف زدین؟ فکر کنم بتونه کمک کنه.»

- میشه یه لیوان آب بدین؟ راستی شقایق کو؟

- کلاس داشت.

یلدا آب رو یه نفس سر کشید. حالا دیگه هردوشان، پشت به

دیوار و رو به پنجره، روی تخت نشسته بودند. امید سکوت را

شکست: «مال من مثلیه! کله تیزی داره، چشم بزرگی داره.

خونه‌شم پشت پرده است؛ اما نمی‌چرخه.»

یلدا سرش را کامل به سمت امید چرخانده بود؛ هر دو پایش

را جمع کرد و گفت: «خب!»

دوست دارم با یه چیزی... که ناگهان نگاه یلدا به میله جاروبرقی

گوشه اتاق افتاد؛ با صدای بلندی گفت: «آره شبیه همین بود

بلند و آهنی. سه بار محکم زدم. بار سوم صدای بلندی به

گوشم رسید. بادی که کم کم تند می‌شد پرده رو تاب می‌داد

طرفم. فریاد کشیدم. مادرم دوید توی اتاقم. از دیدن پرده

که تگون می‌خورد و انگار بادش کرده بودن، محکم زد روی

صورتش؛ بعد هردومون رو عقب کشید. منم داد می‌زدم: «صبر

کن! اونجاست.»

امید با دست‌هایش جلوی دهانش را گرفت و گفت: «وای

خدای من! تو واقعا تونستی بزنی؟! آگه شما رو با خودش

می‌برد، یا می‌خورد چی؟»

- در اتاق باز بود و زود فرار می‌کردیم.

- تو واقعاً اونو کشتی؟

یلدا از روی تخت بلند شد و به سمت امید برگشت. حالا صبر کن... چقدر عجله می کنی. خودم یادش می افتم، می ترسم. چیزی رو زمین نیفتاد. مادر که پرده رو کنار زد...

- تو اونو دیدی؟

- چشمم رو که باز کردم، داشتم از سرما می لرزیدم.

امید خیلی آهسته گفت: «سرما، نکنه به جای آتیش، باد از دهنش درمی اومد؟»

- نه بابا. اون کارش همین بود.

- چی؟

- باد بزنه. آخه اون یه پنکه بود.

امید نمی دانست بخندد یا بترسد. فقط با تعجب و یه لبخند ساده به یلدا نگاه می کرد. یلدا ادامه داد: «حالا دیگه با هم دوست شده ایم. یه روز بیا خونمون ببینش. تو می خواهی چیکار کنی؟ چرا با مرد مثلثی دوست نمیشی؟»

- دوست! نه، نمی تونم.

- چاره ای نداری وقتی هست و تا حالا هم کاری به کارت نداشته، حتی به سمت نچرخیده، شاید بشه باهاش دوست شد.

- ولی من اصلاً نمی خوام باهاش دوست بشم. دلم می خواد برای همیشه بره، دیگه هم برنگرد.

- خوب! اینجا قلمرو توست. همین ها رو محکم بهش بگو.

- آخه چطوری ... می ترسم که ...

نترس. منم همینجوری فکر می کردم، اما ... بالاخره باید بگی. برای امید خیلی سخت بود که با مرد مثلثی روبه رو شود. بعد آرام تر شد و به یلدا گفت: «اگه بگم، می شنوه؟»

- خب امتحان کن.

امید دست های مشت شده اش رو به هم فشار داد، به پنجره نگاه کرد. یلدا دستش را گرفت و گفت: «بیا جلو، نترس. کجاست؟»

وسط پرده، اون گل درشته.

یلدا دست گذاشت روی گل وسط پرده؛ جایی که چشم و ابروی مرد مثلثی بود. امید گفت: «همونجاست.»

لرزش و سرمای دست های امید، یلدا را متوجه اضطراب او کرده بود. «امید بیا غافلگیرش کنیم!»

و از او خواست پرده را کنار بزند.

من هستم. در اتاق رو هم باز می دارم. نترس.

امید فقط به وسط پرده نگاه می کرد و هیچ کاری نمی توانست بکند.

یلدا گفت: «پس لااقل باهاش حرف بزن. محکم بگو تا نرفته.»

امید خیس عرق شده بود. با صدایی آرام گفت: «اون حرف منو گوش نمی ده! تو بهش بگو.»

اون که منو نمی شناسه! بلندتر بگو شاید شنید.

امید اصلاً نمی خواست با مرد مثلثی روبه رو بشود، اما چاره ای نداشت باید همه چیز را تمام می کرد. در نتیجه این دفعه با صدای بلندتری گفت: «برو... برو خونه خودت. اینجا اتاق منه.

حق نداشتی بیایی. برای همیشه برو. می خوام راحت باشم.»

همان طور که امید حرف می زد، یلدا آرام دستش به طرف پرده رفت، می خواست که پرده را کنار بزند. ناگهان امید دست یلدا را گرفت و او را کنار کشید.

- نه! این کار رو نکن.

- اون پشت چه خبره؟

- هر چی هست اون پشته.

یلدا از گوشه پرده که هنوز جمع بود، سعی کرد به پشت پرده نگاه کند. در حالی که یلدا مشغول نگاه کردن بود، امید از ترس به شدت می لرزید. اما در چهره یلدا اثری از ترس و وحشت نبود. سکوت طولانی بین آن ها حکم فرما شد، امید پرسید: «اون پشت چه خبره؟»

هیچی. یه نورگیر شیشه ای و چند تا درخت بلند.

امید با اینکه ذره ای آرام شده بود، اما صدای تپش های قلبش را می شنید. پشت یلدا پنهان شده بود و گاهی نیم نگاهی به پشت پرده می انداخت. یلدا به آرامی نیمی از پرده را کنار زد. امید انگار دنبال چیزی روی پرده می گشت، نزدیک تر شد. یلدا دوباره پرده را انداخت و امید با این کار با ترس به عقب رفت. یلدا که متوجه شده بود ترس امید از کجاست، پرده را کامل کنار کشید و از امید پرسید: «کجاست؟»

امید کاملاً به یلدا چسبید و لرزش بدنش برای یلدا به خوبی حس می شد. با صدایی لرزان به یلدا گفت: «پرده رو که جمع می کنی، لابه لای چین و چروک ها قايم می شه.»

یلدا تمام پرده را با هر دو دستش جمع کرد و خطاب به امید گفت: «فکر کنم دوستت بدون خداحافظی رفت!»

- کجا؟

- پیش مرد دایره ای من!

امید سکوت کرد و آرام آرام یلدا را رها کرد و نفس عمیقی کشید. یلدا دستش را گرفت و با هم روی تخت نشستند ...

شب موقع رفتن یلدا، باران قشنگی می بارید. محبوبه از او پرسید: باور نمی کنم مرد مثلثی امید دیگه نیست! خودش می گه نکنه برگرده؟

- جایی نداره که برگرده! سایه دوستش رفت تو چین و چروک های پرده. ■

خط، رنگ و معنا بر دیوار مدارس

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود. در همین زمینه پیشنهاد کردیم در قالب مسابقه‌ای شما می‌توانید از دیوار نوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. تعداد زیادی از مدیران و آموزگاران مدارس از این طرح استقبال کردند. تصمیم گرفتیم قبل از اینکه برندگان مشخص شوند، تصاویر بهتر را در هر شماره چاپ کنیم. و در نهایت در شماره چهارم تصاویر برتر را معرفی کنیم. دو صفحه از مجله را به این کار اختصاص داده‌ایم. امیدواریم منشأ الهام مابقی مدارس برای داشتن مدرسه‌ای زیباتر شود. چاپ این عکس‌ها به معنای برنده شدن نیست. ■



آموزشگاه توحید / خراسان رضوی / تایباد



دبستان انقلاب محمدیه / مبارکه / اصفهان



آموزشگاه دخترانه شهید آیت‌الله مدرس / ۲ / لرستان / ازنا



دبستان ابن سینا / روستای تازه کند شهرستان شوط / آذربایجان غربی



دبستان امام حسین (ع) / روستای جوقان منطقه گلپه‌ار / خراسان رضوی



پیش دبستان و دبستان پسرانه علم‌آوران / اصفهان



دبستان آوای علم / گرمسار



دبستان دخترانه نفیسه / خمینی شهر



دبستان پسرانه آیت الله طالقانی / شاهرود / سمنان



دبستان دخترانه ابوالحسن الوندی / بیجار / کردستان



دبستان پسرانه شاهد شهدای مدافع حرم / خمینی شهر

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید، مطالبی مورد تأیید کارشناسان قرار می‌گیرد که حائز شرایطی باشد که در صفحه ۴۷ درج شده است.

«طرح صد صلوات»، «طرح شفا»، «تجربه برتر در خصوص ترویج نماز»

۱۳ سعید عبداللهی؛ آموزگار - پرند

«اطلاع رسان برتر»، «املا‌ی یادگاری»

۱۴ سعید چگنی، لیلا علیزاده؛ آموزگار - بروجرد

«آموزش روش تحقیق»

۱۵ ژیل مسعودی؛ آموزگار - کردستان

«فزایش علاقه‌مندی دانش‌آموزان به درس ریاضی با روش‌های جالب و منحصر به فرد»، «صدای دلنشین ملکوتی اذان در مدرسه»

۱۶ خسرو حیمی؛ آموزگار - شهرستان فریدونشهر

استان اصفهان

«مبانی فلسفی انتخاب روش تدریس در دروس دینی و اخلاق»،

«تغییر دادن رفتارهای کودکان»

۱۷ فریبا عادل‌زاده نایینی؛ آموزگار - ناین

«بررسی تحلیلی طرح پروژه‌های علمی دانش‌آموزی (جابرین حیان) با تأکید بر روش حل مسئله جان دیویی»

۱۸ هادی دهقانی؛ آموزگار چند پایه - دشمن زیاری

استان فارس

«بررسی تأثیر روش یادگیری گلچینی بر عملکرد تحصیلی

دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی منطقه دشمن زیاری»

۱۹ خسرو حیمی؛ آموزگار - شهرستان فریدونشهر

استان اصفهان

«مبانی فلسفی انتخاب روش تدریس در دروس دینی و اخلاق»

۲۰ سمیه قلندر؛ آموزگار - منطقه پیربکران استان

اصفهان

«ریاضی به شیوه‌ی ای پنج»، «داستانک زنگ ریاضی»

۲۱ علی اکبر امامی؛ آموزگار - حمیل

«نگاهی به سهم ادبیات آیینی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی»

۲۲ حسین نیازی، فاطمه خدایاری؛ آموزگار - شهر کاشمر

استان خراسان رضوی

«بررسی چالش‌های یادگیری الکترونیکی از دیدگاه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان کاشمر»

۱ میلاد قلی‌زاده، الهه مقیمی؛ آموزگار، دانشجو - استان مازندران شهر آمل

«بررسی جایگاه فناوری اطلاعات در طراحی برنامه درسی رسمی و تأثیر آن بر بهبود یادگیری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»

۲ نجمه دائمی؛ آموزگار - استان گلستان شهر علی‌آباد

کتول

«به بهانه بهار»

۳ سجاد یوسفی؛ آموزگار - استان فارس شهر آباده

«نمونه اقدام پژوهی از درمان اختلال اضطراب جدایی دانش‌آموزان کلاس اول»

۴ راحله ابراهیمی مغانی، ملیحه عامری؛ کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، آموزگار پایه ناشنوا - استان سمنان

شهر شاهرود

«طراحی و اجرای محتوای کتاب‌های آموزشی بر اساس توانبخشی شنیداری - کلامی برای دانش‌آموز ناشنوا با کاشت حلزون با تأکید بر درمان تیمی»

۵ معصومه محمدی آیدغمیشی؛ آموزگار - زرین شهر اصفهان

«تجربیات سبز»

۶ حسین محمدیان؛ بازنشسته - آذربایجان غربی - سردهشت

«همسو سازی عددآموزی ۱ رقمی با آموزش غیر رسمی»

۷ کامران اعظمی؛ آموزگار - اشنویه استان آذربایجان شرقی

«کلاس درس فعال»

۸ سعید سپاهی‌فر؛ آموزگار - شهرستان مبارکه اصفهان

«نقش معلم در رونق بخشی به مساجد و نماز»

۹ علی محمد ذاکری مقدم؛ آموزگار - قاسم‌آباد خواف

استان خراسان رضوی

«تحلیل محتوای کتاب درسی فارسی خوانداری پنجم بر اساس طبقه‌بندی اهداف بلوم»

۱۰ منصوره رام؛ آموزگار - آزادشهر استان گلستان

«راهکار بهینه در ارتقای نظم و انضباط در بین دانش‌آموزان پایه دوم»

۱۱ هرمز علی‌زاده؛ آموزگار - آبدانان

«کارم را به اتمام رسانده‌ام»

۱۲ مریم محمدی، سعید عبداللهی؛ آموزگار - پرند



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پرهان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوانس برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. خاطره: معلم محترم می‌تواند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماهنامه بفرستد. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. تجربه: معلم محترم می‌تواند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستد. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.
۳. داستان: سوره‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی علمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌تواند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.
۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

- مقاله: ماهنامه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:
۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش مربوط باشد.
 ۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
 ۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
 ۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۲۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
 ۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.
 ۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
 ۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
 ۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید.

از آنجا که مطالب هر شماره از ماهنامه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند. ماهنامه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و بروزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد. ماهنامه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد. در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید. برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم:

مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.



برگزیدگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر

دوره‌ی بیستم - سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳۳ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

- ♦ نام و نام خانوادگی:
- ♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:
- ♦ تلفن:
- ♦ نشانی کامل پستی:
- استان: شهرستان:
- خیابان: پلاک:
- شماره فیش بانکی: شماره پستی:
- مبلغ پرداختی:
- ♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

اسامی برندگان رشد آموزش ابتدایی - مسابقه تلنگر سال تحصیلی ۹۶-۹۵

۱	فروزان تازنده	۱۸	سید محمد فاطمی
۲	عبدالرحیم محمدی	۱۹	صدیقه ابراهیمی
۳	الهام کبیری	۲۰	علی صمدی روش
۴	ابوالفضل یوسفی ممقانی	۲۱	پروین محمدی
۵	زهره داستان	۲۲	فاطمه الیاسی
۶	مریم اقدامی	۲۳	محمد شیرزادی
۷	یوسف منتشلو	۲۴	هایده ابراهیمی
۸	زهره زمانی	۲۵	شهلا نوری زاده
۹	سید جعفر شاه نوری	۲۶	مهرنوش لطفعلی
۱۰	علیرضا سودمند	۲۷	فرانک کیانی منش
۱۱	فاطمه سلطانی	۲۸	حیدر احمدی ورزیه
۱۲	اعظم ملکی	۲۹	مرضیه کاظمی
۱۳	یوسف بابازاده	۳۰	شیرعلی آردن
۱۴	معصومه کریمی	۳۱	رحمان شمگانی مشهدی
۱۵	حسین نقوی شاهکوئی	۳۲	آذر کیانی
۱۶	زهره کمشی کمر	۳۳	عبدالرحمان سقر
۱۷	معصومه مقنی اجاقی	۳۴	سیما معزز

فرضیه‌های حاکم بر تعلیم و تربیت سنتی، استعدادهای بالقوه‌ی انسان را صرفاً در یک حوزه‌ی محدود مادی و در نتیجه قابل اندازه‌گیری محصور می‌کند. حال آن که استعدادهای نهفته‌ی دیگری در کار است که نیازمند پرورش است. شاید بتوان آن‌ها را «زندگی»، «روحیه» و «هوشیاری» نامید.

● یافته‌های پژوهش‌های تربیتی حاکی از شکست ناشی‌آموزان در انطباق خود با جهان متغیر در عصر حاضر است. راه کاری که برای حل این مسئله ارائه می‌دهند در جهت توسعه‌ی مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی کنونی «مهارت‌اندیشیدن، مهارت‌اجتماعی، مهارت‌های فیزیکی و مهارت‌های ادراکی» از طریق تلفیق آن‌ها در برنامه درسی است.

عناوین حوزه‌ها خواهد بود و مفاهیم حوزه‌های یادگیری به صورت تلفیقی ارائه خواهد شد.

